

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق و الهیات

بخش حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق گرایش خصوصی

مرور زمان در حقوق مدنی ایران و جایگاه آن در مذاهب اسلامی

مؤلف:

فائزه شمس الدینی مطلق

استاد راهنما:

دکتر علی رفیعی مقدم

استاد مشاور:

دکتر عطاءالله صالحی

شهریور ۱۴۰۱



دانشگاه شهید باهنر کرمان
دانشکده حقوق و الهیات
بخش حقوق

این پایان نامه با عنوان مرور زمان در حقوق مدنی ایران و جایگاه آن در مذاهب اسلامی توسط فائزه شمس الدینی مطلق دانشجوی رشته حقوق - خصوصی دوره کارشناسی ارشد پیوسته با شماره دانشجویی ۹۳۷۲۲۰۰۹ تدوین شده است و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ با نمره ۷/۱۵ و با درجه مورد پذیرش هیئت داوران قرار گرفت.

این پایان نامه هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره کارشناسی ارشد شناخته نمی شود.

عضو هیئت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل خدمت	امضا
راهنما اول	دکتر علی رفیعی مقدم	استادیار	حقوق و الهیات	
مناور اول	دکتر عطاله صالحی	استادیار	حقوق و الهیات	
داور اول	دکتر سجاد مسکری	استادیار	حقوق و الهیات	
داور دوم	دکتر محمد امینی زاده	استادیار	حقوق و الهیات	

نماینده تحصیلات تکمیلی:	معاون آموزش و پژوهش دانشکده:
مرتضی عرب	مهدی عباس راجی آبادی

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

به نام خدا
منشور اخلاق پژوهش

با استعانت از خدای سبحان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او به‌واره ناظر بر اعمال ماست و به منظور انجام شایسته‌ی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بهسازی زندگی بشر، ما دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور:

- ☐ تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از هر گونه جعل و تحریف در خفاست‌های علمی پرهیز می‌کنیم.
- ☐ حقوق پژوهشگران، پژوهیدگان (انسان، حیوان، گیاه و اشیا)، سازمان‌ها و سایر صاحبان حقوق را به رسمیت می‌شناسیم و در حفظ آن می‌کوشیم.
- ☐ به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارجح می‌نیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهتمام ورزیده و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم.
- ☐ ضمن پایداری به انصاف و اجتناب از هر گونه تبعیض و تعصب، در کفیه خفاست‌های پژوهشی، رهیافتی قاعده‌ای اتخاذ خواهیم کرد.
- ☐ ضمن امانت‌داری، از منابع و امکانات اقتصادی انسانی و فنی موجود استفاده بهره‌ورانه خواهیم کرد.
- ☐ از انتشار غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر انتشار موزی، پوشان و چیدانه‌های (کدای) پرهیزی کنیم.
- ☐ اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام خفاست‌های پژوهشی خود قرار می‌دیم.
- ☐ در همه خفاست‌های پژوهشی به منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم.
- ☐ خویش را ملزم به رعایت کلیه بهارهای علمی رسته خود، قوانین و مقررات، سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی و راهبردهای ملی در همه مراحل پژوهش می‌دانیم.
- ☐ رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اقدامی فرهنگی می‌دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ، به ترویج و اشاعه‌ی آن در جامعه اهتمام می‌ورزیم.



دانشگاه شهید باهنر کرمان

تعهدنامه

اینجانب فائزه شمس‌الدینی به شماره دانشجویی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده پایان نامه با عنوان مرور زمان در حقوق مدنی ایران و جایگاه آن در مذاهب اسلامی

تحت راهنمایی دکتر علی رفیعی تأیید می‌کنم که این پایان‌نامه نتیجه پژوهش اینجانب می‌باشد و در عین حال که موضوع آن تکراری نیست، در صورت استفاده از منابع دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج شده است. همچنین موارد زیر را نیز تعهد می‌کنم:

۱- برای انتشار تمام یا قسمتی از داده‌ها یا دستاوردهای پایان‌نامه خود در مجامع و رسانه‌های علمی اعم از همایش‌ها و مجلات داخلی و خارجی به صورت مقاله، کتاب، ثبت اختراع و به صورت مکتوب یا غیرمکتوب، با کسب مجوز از دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد(ان) راهنما اقدام نمایم.

۲- از درج اسامی افراد خارج از کمیته پایان‌نامه در جمع نویسندگان مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه، بدون مجوز استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم و اسامی افراد کمیته پایان‌نامه را در جمع نویسندگان مقاله درج نمایم.

۳- از درج نشانی یا وابستگی کاری (affiliation) نویسندگان سازمان‌های دیگر (غیر از دانشگاه شهید باهنر کرمان) در مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه بدون تأیید استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم^۱

۴- کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوط به استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها را برای انجام پایان‌نامه رعایت نمایم.

۵- در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری، متعلق به دانشگاه شهید باهنر کرمان است و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست. همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد. چنانچه مبادرت به عملی خلاف این تعهدنامه محرز گردد، دانشگاه شهید باهنر کرمان در هر زمان و به هر نحو مقتضی حق هرگونه اقدام قانونی را در استیفای حقوق خود دارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو فائزه شمس‌الدینی

امضا و تاریخ: ۱۴۰۲/۳/۱۶

^۱ تنها آدرس مورد قبول برای دانشگاه به این صورت می‌باشد:

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

نام و آدرس واحدهای دانشگاه در تولیدات علمی محققان دانشگاه به تشخیص بخش و دانشکده به شرح زیر می‌باشد:

Department of, Faculty of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

آدرس صحیح جهت درج در مقالات و سایر تولیدات علمی فارسی:

گروه (بخش), دانشکده, دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

تقدیم به:

باسپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

تشکر و قدردانی:

این پایان‌نامه را تقدیم می‌کند به مهربان‌ترین همراهان زندگی‌ام، پدر و مادر و همسر عزیزم که حضورشان همیشه گرمابخش روح من بوده است.

از اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر رفیعی و دکتر صالحی برای تمام حمایت‌ها و زحمات بی‌دریغشان تشکر می‌کند.

از جناب آقای دکتر عسکری و دکتر امینی زاده که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده داشتند سپاس فراوان دارم.

و در نهایت از تمامی دوستان عزیزی که ایام خوشی را باهم سپری کردیم و مرا در رسیدن به اهدافم یاری نمودند صمیمانه تقدیر می‌کند.

چکیده:

مساله قابل طرح در پژوهش پیش و رو بررسی موضوع مرور زمان در حقوق مدنی ایران و همچنین از منظر فقهی میباشد. پژوهش پیش و رو با تکیه بر منابع کتابخانه ای و با هدف بررسی مرور زمان در حقوق ایران و بحث در خصوص مواد منسوخ در حوزه حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی و جایگاه مرور زمان در فقه و همچنین در خصوص قوانین خاصی میباشد که در آنها همچنان مرور زمان پابرجاست. مرور زمان یکی از قواعد مهم شکلی در علم حقوق است. در ساختار قضایی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده و به کار می رود. در قوانین گذشته ایران نیز مورد استفاده بود. مرور زمان در آیین دادرسی مدنی سابق به معنای گذشت مدتی قانونی بود که بعد از آن، دعوی حقوقی قابل استماع نبوده است. بعد از انقلاب اسلامی شورای نگهبان در نظریه ۷۲۵۷ مرور زمان را مخالف شرع اعلام نمود اما در یک مورد از نظریه خود عدول کرد، آن هم در خصوص مرور زمان دعاوی حقوقی بیگانگان. مرور زمان را از حیث آثار و نتایج آن به دو قسمت تقسیم می کنیم. ۱) مرور زمان مملکت ۲) مرور زمان مسقط. مرور زمان در نوع دیگر تقسیم می رود به مرور زمان مدنی و مرور زمان تجاری. مرور زمان مدنی در فقه اسلامی نیز ریشه دارد. برخی از اصول فقهی همچون روایات، احادیث، عقل و ... و همچنین برخی از قواعد فقهی همچون قاعده اعراض، قاعده اسقاط و ابراء و غیره استدلالاتی در تایید موضوع مرور زمان دارند. و برخی قواعد همچون قاعده ید و... موضوع مرور زمان در اسلام را رد کرده اند. در نهایت اینکه وجود مرور زمان با توجه به مبانی اساسی و مستدل آن در حقوق مدنی ما موضوعی مفید میبود که از نظر اینجانب در بعضی از قوانین میتوانست مفید فایده باشد و البته که در بعضی از قوانین همچون قانون خانواده وجود آن مستوجب ورود ضرر به طرفین به خصوص زوجه بود.

واژگان کلیدی: مرور زمان، مرور زمان مدنی، مرور زمان در فقه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱۳
بیان مسئله.....	۱۴
ضرورت تحقیق.....	۱۵
اهداف تحقیق.....	۱۵
چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟.....	۱۵
پیشینه تحقیق.....	۱۶
فصل اول: مرور زمان در حقوق مدنی ایران	۱۷
درآمد.....	۱۸
مبحث اول: مفاهیم.....	۱۸
گفتار اول: مفهوم مرور زمان در دیگر نظام‌های حقوقی.....	۱۸
بند اول: در حقوق انگلیس.....	۱۹
بند دوم: در حقوق فرانسه.....	۱۹
بند سوم: در کامن لا.....	۱۹
بند چهارم:.....	۱۹
گفتار دوم: مفهوم مرور زمان در نظام حقوق مدنی ایران.....	۱۹
مبحث دوم: تاریخچه مرور زمان.....	۱۹
گفتار اول: مرور زمان و شورای نگهبان.....	۲۱
بند اول: نظریه شورا نگهبان در خصوص مرور زمان.....	۲۱
بند دوم: استدلال مخالفین نظر شورای نگهبان.....	۲۲
مبحث سوم: در مبنا و اثرات مرور زمان.....	۲۲
گفتار اول: در خصوص آثار.....	۲۲
گفتار دوم: در خصوص مبنا مرور زمان.....	۲۳
مبحث چهارم: مرور زمان و دیگر کشورها.....	۲۴
بند اول: مرور زمان در روم.....	۲۴
بند دوم: مرور زمان در فرانسه.....	۲۴
بند سوم:.....	۲۴

بند چهارم:.....	۲۴
مبحث پنجم: انواع مرور زمان مدنی	۲۴
بند اول: مرور زمان مملکت	۲۵
بند دوم: مرور زمان مسقط	۲۵
مبحث ششم: مقصود از مرور زمان عام و خاص	۲۵
مبحث هفتم: انواع مرور زمان	۲۶
گفتار اول: مرور زمان مدنی	۲۶
گفتار دوم: مرور زمان تجاری	۲۶
گفتار سوم: مواد قانون تجارت	۲۸
بند اول:	۲۸
بند دوم:	۲۹
گفتار چهارم: مرور زمان چک	۳۰
گفتار پنجم: نظریات مطرح در خصوص موارد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت	۳۰
بند اول:	۳۰
بند دوم:	۳۰
بند سوم:	۳۰
مبحث هشتم: ایراد مرور زمان حق کیست	۳۱
گفتار اول: ایراد مرور زمان در جریان دادرسی تا چه حد قابل قبول است	۳۱
بند اول: ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی (منسوخ)	۳۱
گفتار دوم: آیا ایراد مرور زمان همه وقت قابل قبول است ؟	۳۲
مبحث نهم: مرور زمان دیون رسمی	۳۲
مبحث دهم: تعلیق مرور زمان	۳۳
مبحث یازدهم: مرور زمان احکام غیابی	۳۴
گفتار اول:	۳۴
بند اول: عقاید مخالفین	۳۴
بند دوم: عقاید موافقین	۳۴
گفتار دوم: مرور زمان در دعاوی تجدیدنظر	۳۵
گفتار سوم: مرور زمان در دعاوی بدوی	۳۵

مبحث دوازدهم: قطع مرور زمان.....	۳۶
مبحث سیزدهم: فواید مرور زمان.....	۳۷
مبحث چهاردهم: وضعیت حقوقی مرور زمان بیمه‌های مسئولیت وسایل نقلیه.....	۳۸
مبحث پانزدهم: تحلیل اقتصادی مرور زمان در حوزه‌ی حقوق مدنی.....	۴۰
گفتار اول: اموال و مالکیت.....	۴۰
گفتار دوم: مرور زمان اجرایی و توضیح ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی.....	۴۳
مبحث شانزدهم: مدت‌های مرور زمان.....	۴۵
گفتار اول: مرور زمان فوری.....	۴۵
گفتار دوم: مرور زمان سه‌روزه.....	۴۵
گفتار چهارم: مرور زمان دوساله.....	۴۶
گفتار پنجم: مرور زمان سه‌ساله.....	۴۶
گفتار ششم: مرور زمان پنج‌ساله.....	۴۷
گفتار هفتم: مرور زمان ده‌ساله.....	۴۷
گفتار هشتم: مرور زمان بیست‌ساله.....	۴۸
گفتار نهم: مرور زمان بیست‌وپنج‌ساله.....	۴۸
مبحث هفدهم: مرور زمان در مطالبه خسارت‌های ناشی از حمل‌ونقل هوایی و در سایر قوانین.....	۴۸
گفتار اول: مرور زمان در قانون اعسار.....	۵۰
گفتار دوم: مرور زمان در قانون بیمه.....	۵۰
گفتار سوم: مرور زمان در قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹.....	۵۰
فصل دوم: جایگاه مرور زمان در اسلام.....	۵۲
درآمد:.....	۵۳
مبحث اول: مرور زمان مدنی در فقه اسلامی.....	۵۳
گفتار اول: در خصوص روایات.....	۵۳
بند اول.....	۵۳
بند دوم.....	۵۳
بند سوم.....	۵۳
بند چهارم.....	۵۴
بند پنجم.....	۵۴

بند ششم.....	۵۴
گفتار دوم: سند احادیث	۵۴
مبحث دوم: اصول و قواعد فقهی.....	۵۵
گفتار اول	۵۵
بند اول:.....	۵۵
بند دوم:.....	۵۵
گفتار دوم: قاعده اسقاط و ابرا.....	۵۶
گفتار سوم: قاعده حیازت	۵۶
گفتار چهارم: حکم حکومتی	۵۷
مبحث سوم: قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی.....	۵۷
مبحث چهارم: قاعده استحسان	۵۸
گفتار اول: نقد نظریه استحسان	۵۸
بنداول:	۵۸
بند دوم:.....	۵۸
مبحث پنجم: تشریح قاعده اعراض.....	۵۹
گفتاراول:	۵۹
بنداول: اشکال به قاعده اعراض.....	۵۹
بند دوم: ادله مثبت قاعده اعراض	۶۰
گفتار دوم: روایت شیخ صدوق.....	۶۰
مبحث ششم: قاعده ید.....	۶۰
گفتار اول: معنای ید.....	۶۰
مبحث هفتم: بررسی قانون مرور زمان در حقوق اسلام	۶۱
گفتاراول:	۶۲
گفتار دوم:	۶۲
گفتار سوم:	۶۳
نتیجه گیری.....	۶۳
منابع و مآخذ	۶۶

مقدمه

مرور زمان، به معنی گذشتن مدت زمانی است که موجب ایجاد وضعیت حقوقی جدید و مخصوصی می‌شود. مرور زمان اشاره به قوانینی دارد که توسط قانون‌گذار تعریف می‌شود. در کامن‌لا مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود و دیگر نمی‌توان بابت آن شکایتی کرد.

مرور زمان نهادی حقوقی است که سبب ایجاد یا اسقاط حق به شرط گذشت مدت زمان معین می‌شود و دولت‌ها جهت برقراری نظم و ثبات اجتماعی و اقتصادی از طریق قانون و با شرایط خاصی آن را اعمال می‌کند.

مرور زمان را می‌توان تأثیرات زمان بر اکتساب یا اسقاط حقوق یا تعهدات یا تکالیف نامید. بنابراین مرور زمان ممکن است اثر اکتسابی یا اثر اسقاطی داشته باشد. در حقوق ایران مرور زمان در ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی (قدیم) تعریف شده است. مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود. بنابراین در حقوق ایران مرور زمان مسقط حق دعوی به حساب می‌آید. مرور زمان مدنی، تجاری و کیفری، اصلی‌ترین انواع مرور زمان هستند.

مرور زمان مدنی اصولاً مسئله‌ای حقوقی است، لکن ناظر به قضاوت؛ یعنی در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم مطرح می‌شود.

بنابراین، ماهیتاً یکی از مباحث مهم آیین دادرسی مدنی است، و به‌طور عمده در این قبیل منابع بررسی می‌شود، و به دلیل آثار فراوان و حیاتی آن در روابط حقوقی افراد، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث حقوقی و قضایی برخوردار است؛ زیرا بر اساس نظریه مرور زمان مدنی و مبانی تئوریک آن، فردی که نسبت به حقی ادعایی دارد اگر درواقع نیز حقی داشته باشد، هرگاه در مدت مقرر شده برای مرور زمان اقدام به استیفای آن نکند، محاکم قضایی از استماع و رسیدگی به دعوای او خودداری خواهند کرد. از سوی دیگر، فردی که مالی را در اختیار دارد و از امکان تصرف در عین و منافع آن برخوردار است، پس از گذشت زمان معینی از مبدأ این تصرف، و عدم طرح ادعایی از جانب مدعی احتمالی، ادعایی در محکمه علیه او، حتی اگر از طریق نامشروعی به این امکان و تصرف دست یافته باشد، پذیرفته نیست.

با تمام تفاسیر یاد شده باید در نظر داشت که تاسفانه مرور زمان امروزه در نظام حقوق مدنی ما پذیرفته شده نیست و بسیاری از مواد مطرح در این خصوص در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی نسخ گردیده اند اما در بعضی قوانین همچون قانون تجارت و قانون بیمه و ... همچنان به قوت خود باقی است.

بر اساس نظریه مرور زمان مدنی، این قاعده کارکردی همانند یک دلیل اثباتی و قاطع دعوا دارد که از یک سو، وضعیت متصرف را تثبیت می کند و از جانب دیگر امکان طرح هرگونه ادعایی را از مدعی می گیرد. در نتیجه، بحث مرور زمان از اهمیت اساسی برخوردار است و هر نظام حقوقی و قضایی ناگزیر از ارائه دلایل خردپسند در نفی یا اثبات آن است.

در قانون تجارت دو ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ به مسئله مرور زمان پرداخته است. بر اساس ماده ۳۱۸: «دعای راجعه به برات و سفته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر این که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است.»

برابر ماده ۳۱۹ نیز «اگر وجه برات یا سفته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارنده برات یا سفته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله، وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده ی بلاجهت کرده است مطالبه نماید.»

بیان مسئله

مرور زمان اشاره به قوانینی دارد که توسط قانون گذار تعریف می شود و به معنای مدتی است. که به موجب قانون پس از انقضاء آن مدت دعوی شنیده نمی شود و گذشت این زمان موجب ایجاد وضعیت حقوقی جدید می شود. بسیاری از حقوقدانان و نویسندگان مرور زمان را تأسیس حقوقی جدید می دانند اما واقعیت این است که مرور زمان ریشه در قوانین بسیار قدیمی ما داشته است و در دعاوی مالکیت و دیون مرور زمان سی چهل سال جاری بوده است.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی در کتاب جوامع التواریخ در شرح مرور زمان حقوق مدنی پس از ورود اسلام به کشورمان مطالبی دارد. در دوره ملکشاه سلجوقی نیز دستوری برای قضات صادر شد که از پذیرش دعاوی کهنه و رسیدگی به هر سند و دعوی که سی سال از تاریخ آن گذشته خودداری کنند.

مطرح شدن بحث مرور زمان در دوران اسلامی گذشته نشان‌دهنده‌ی ارتباط میان تعالیم فقهی و این تأسیس حقوقی است.

ضرورت تحقیق

یکی از ضرورت‌های انجام این تحقیق بررسی مرور زمان و جایگاه آن در حقوق مدنی ایران و مذاهب اسلامی است. با توجه به آنکه بعضی از فقها نهاد مرور زمان را شرعی و تأمین‌کننده مصالح اجتماعی می‌دانند ولی بعضی دیگر آن را غیرشرعی تلقی می‌کنند. لذا در این پژوهش به دنبال یافتن دلایل هریک از این گروه و بررسی نظرات آن‌ها هستیم. و همچنین خواهان بررسی نقش مرور زمان به صورت جداگانه در دعاوی مختلف همچون دعاوی ملکی و دعاوی حقوقی و اسناد عادی، در فروش مال غیر، در اموال غیرمنقول و... هستیم. همچنین بررسی نقش مرور زمان در ایجاد و تثبیت نهاد مالکیت است. مرور زمان یکی از ابزارهای استقرار و تثبیت نهاد مالکیت است. هرچند در خصوص مبحث مرور زمان پژوهش‌های مهمی صورت گرفته است اما برای فهم ارزش و جایگاه این نهاد باید نقش آن در ایجاد و تثبیت نهاد مالکیت موردتوجه قرار گیرد.

اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق روشن ساختن بحث مرور زمان در حقوق مدنی ایران و جایگاه مرور زمان در مباحث فقهی با توجه به دیدگاه علما و ... است.

چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

از آنجاکه مرور زمان قاعده‌ای بسیار کهن است لذا لازم است تاریخچه این قاعده و سیر تحولات آن را موردبررسی قرار داده و همچنین با جایگاه این قاعده در دعاوی مختلف حقوقی همچون دعاوی ملکی، دعاوی حقوقی، فروش مال غیر و بیمه و... آشنا شد و همچنین در خصوص مرور زمان در مذاهب اسلامی همچون تشیع و تسنن به بحث پرداخت.

پیشینه تحقیق

- ۱_ احمد دیلمی در سال ۹۶ کتابی با عنوان مرور زمان منتشر نموده است. (چاپ بازرگانی، نشر مینوفر).
- ۲_ مهدی وحید در سال ۱۳۸۰ در کتابی تحت عنوان مرور زمان در حقوق مدنی ایران به این موضوع پرداخته است. (انتشارات میزان).
- ۳_ حضرتی، محمد، نقد و بررسی رأی وحدت رویه، نشریه حقوقی دادگستر، شماره ۳۷، صفحه ۱۱۱ تا ۱۲۷، زمستان ۸۰

فصل اول

مرور زمان در حقوق مدنی ایران

درآمد

مرور زمان در قالب اسقاط حق اقامه دعوا، به عنوان یک قاعده آمره مرتبط با حقوق شکلی از اهمیت بسزایی در دانش حقوق برخوردار است. این قاعده به معنای آن است که با گذشت مدتی مشخص در قانون، دیگر دعوی یا شکایت قابل استماع نیست. اهمیت موضوع تا بدان جا است که به واسطه آن می تواند در حقوق مدنی با صدور قرار عدم استماع با هر درجه از اهمیت مختومه اعلام نمود و با این اقدام، نوعی نظم حقوقی در ساختار قضایی کشور به وجود آورد و از ورود و انباشتن حجم میلیونی پرونده ها جلوگیری کرد.

مبحث اول: مفاهیم

گفتار اول: مفهوم مرور زمان در دیگر نظام های حقوقی

مرور زمان اصطلاحی است که در ادبیات حقوقی ایران برای تمامی انواع و اقسام این نهاد حقوقی اعم از حقوقی، کیفری و غیره به کار گرفته شده است. این اصطلاح با توجه به سابقه طولانی بهره برداری از آن کاملاً جاافتاده و دارای حقیقت عرفی خاص است، متون قانونی داخلی و خارجی، بعضاً تعاریفی از مرور زمان ارائه نموده اند.

در قوانین انگلستان تعریفی از مرور زمان ارائه نشده ولی قانون مرور زمان ۱۹۸۰ در این خصوص مقررات مربوطه را تشریح نموده است. یکی از اساتید در این خصوص مقررات مربوطه را تشریح نموده است. یکی اساتید حقوق در تعریف مرور زمان آورده، «گذشتن زمان معینی که قانون گذار آن را با شرایط خاص موجب گسیخته شدن رابطه مالک از مملوک و یا عدم استماع دعوی علیه متصرف و مالکیت متصرف دانسته است، مرور زمان نامیده می شود».

سایر صاحب نظران اقسام مرور زمان را تعریف نموده ولی تعریفی از مرور زمان به نحو اطلاق ارائه ننموده اند. اما تعریف مختار به دلیل عدم جامعیت تعاریف موجود و عدم توجه به هدف و اثر این نهاد حقوقی بدین شرح است.

بند اول: در حقوق انگلیس

time laps/ state of limitation قوانینی هستند که توسط قانون گذار تعریف شده اند و پس از انقضای آن مدت مسئله قانونی متوقف می شود.

بند دوم: در حقوق فرانسه

مرور زمان در فرهنگ های حقوقی از حقوق فرانسه گرفته شده است که از آن به *prescriptional* تعبیر می شود و اعم از مرور زمان در امور کیفری و مدنی است.

بند سوم: در کامن لا

در حقوق کامن لا مرور زمان را گذشتن مدتی می دانند که پس از انقضاء آن مدت دیگر دعوی شنیده نمی شود.

بند چهارم:

مرور زمان در فرهنگ حقوقی اعراب با عنوان *التقادم*، مرور الزمن یا مضي المدت بیان می شود.^۱

گفتار دوم: مفهوم مرور زمان در نظام حقوق مدنی ایران

الف: گذشتن مدتی از استقرار در قانون یا فرمان ها که برگذشت آن اثری از آثار ذیل مترتب می گردد:

۱) تملیک ملک

۲) اسقاط حق به ویژه حق طرح دعوی در محاکم یا تعقیب دعوی.

ب: در حقوق مدنی نیز این گونه گفته اند: نظم عمومی ایجاب می کند که هرگاه صاحب حقی در طول یک مدت معین به اختیار خودش از حق خود بگذرد و اقدام به مطالبه آن نکند، پس از گذشت آن مدت نمی توان دستگاه قضایی را نسبت به حق دیگری و اجبار به استرداد آن وادار کرد.

مبحث دوم: تاریخچه مرور زمان

مرور زمان از حقوق روم وارد حقوق فرانسه شده است و از آنجا وارد حقوق بسیاری از کشورها از جمله ایران شد.

^۱ عباس تبار، فیروز جاه، روحی زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴

سابقاً در ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بحث مرور زمان پیش‌بینی شده بود. طبق ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ مرور زمان به معنای گذشت مدت قانونی بود که پس از آن دیگر دعوی قابلیت استماع نداشت. اما به دلیل اختلافاتی که در اجرای این مواد و صدور حکم بر اساس آن‌ها شکل گرفت، بحث غیرشرعی بودن مرور زمان پیش کشیده شد.

برای روشن شدن موضوع، اختلاف به شورای نگهبان ارجاع شد تا تصمیم مقتضی صادر شود. پس از بررسی‌های لازم در سال ۶۱ شورای نگهبان مرور زمان را غیرشرعی تشخیص داد. البته عموم حقوق‌دانان این نظر را در مورد دعاوی کیفری نپذیرفتند و آن را فقط ناظر بر امور حقوقی دانستند.

زمانی که نظریه شورای نگهبان ابلاغ شد، به این دلیل که قوانین تجاری دادرسی خاص خود را نداشتند و دعاوی آن‌ها در دادگاه‌های مدنی رسیدگی می‌شد این شبه ایجاد شد که مقررات مرور زمان در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۹۳ قانون تجارت نیز غیرشرعی است.

اما آنچه به عنوان نظر قابل قبول مطرح شد این بود که این قوانین اثر حقوقی‌شان همچنان به قوت خود باقی هستند به دلایل زیر:

۱) نظریه شورا فقط به مرور زمان مندرج در ماده ۷۳۱ آیین دادرسی مدنی سابق اشاره دارد و مطلق دعاوی را شامل نمی‌شود.

۲) مهلت‌های مقرر در قانون تجارت حق صاحب دعوی را کاملاً اسقاط نمی‌کند بلکه انقضای آن‌ها فقط خصیصه‌ی تجاری را از دعوی می‌گیرد ولی وجه مدنی اقامه دعوی همچنان برقرار است.

۳) مرور زمان مقرر در قانون تجارت صریحاً از طرف شورای نگهبان غیرشرعی اعلام نشده است. در تاریخ مکتوب حقوق ایران مرور زمان اولین بار در یاسای چنگیز مطرح گردید. همچنین در قانون تجارت (مصوب ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴) مقرراتی راجع به مرور زمان اسناد تجاری (برات، چک و فته طلب) و موضوعات تجاری دیگر پیش‌بینی شده بود. این قانون برای عدم مواجهه با مخالفت علما به جای مجلس در کمیسیون پارلمانی عدلیه به طور آزمایشی به تصویب رسید. پس از تأسیس سازمان جدید دادگستری در سال ۱۳۶۰ اجباری شدن ثبت املاک ضرورت وجود مقررات مرور زمان پیش از هر زمان دیگری احساس گردید.

زیرا این قانون ثبت اجباری به یک‌باره موجب هزاران دعوی اعتراض به ثبت شد. زیرا درخواست کنندگان ثبت برای اثبات مالکیت خود نوعاً تصرف‌های متفاوت خود یا مورث را ادعا می‌کردند و برای آنان محال

بود که دلیل دیگری اقامه کنند. حال اگر معترضان می‌توانستند به گذشته برگردند و در صحت تصرف ایادی سابق تردید کنند، مالکیت افراد متزلزل و موجب بروز بی‌ثباتی و بلوا در کشور می‌شد. به همین دلیل در دوره ششم قانون‌گذاری در ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ با تصویب قانون ثبت عمومی املاک اصول مرور زمان اموال غیرمنقول وارد قوانین موضوعه گردید. هرچند این پیشنهاد دولت با مخالفت برخی افراد متشرع مجلس مواجه گردید ولی مرحوم سید حسن مدرس طی سخنانی از این مصوبه دفاع کرد. دو سال بعد از آن به موجب قانون مرور زمان اموال منقول مصوب تیر ۱۳۰۸ قاعده مرور زمان تعمیم یافت و شامل اموال غیرمنقول نیز گردید و در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ نیز اصلاحاتی در آن به عمل آمد.

تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ فرصتی را برای قانون‌گذار فراهم ساخت تا گام‌های بلندی را در جهت تثبیت و تعمیم و تکمیل مقررات مرور زمان بردارد و عملاً این مقررات را به قلمروی گسترده‌ی حقوق مدنی تسری بخشد.^۲

گفتار اول: مرور زمان و شورای نگهبان

بند اول: نظریه شورا نگهبان در خصوص مرور زمان

بعد از انقلاب اسلامی شورای نگهبان در نظریه ۷۲۵۷ مرور زمان را مخالف شرع اعلام نمود ولی مجدداً قاعده مرور زمان در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در خصوص مجازات بازدارنده لحاظ شد و ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به مرور زمان اختصاص یافت. شورای نگهبان در یک مورد از نظریه خود عدول کرد. آن‌هم در خصوص مرور زمان دعاوی حقوقی بیگانگان. و گفته است که نظریه غیرشرعی بودن مرور زمان شامل دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان را پذیرفته شده، نمی‌شود.

نکته حائز اهمیت اینکه شورای نگهبان نمی‌تواند حتی در صورتی که قانون خلاف شرع باشد قانون را نسخ یا حذف کند و براساس اصل ۴ قانون اساسی شورای نگهبان، نظر خود را اعلان و از طریق قوه مجریه برای نسخ قانونی در مجلس شورای اسلامی اقدام نماید. زیرا نسخ قانون از وظایف قانون‌گذار است.

^۲ مصطفی عدل، حقوق مدنی، ص ۱۹۳

تا پیش از انقلاب اسلامی و در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ مرور زمان را داشتیم اما بعد از پیروزی انقلاب شورا این موضوع را رد کرد و استدلالش این بود که حق افراد با مرور زمان نابود می شود و از نظر شورا این مرور زمان دعای غیر شرعی اعلام شد.

بند دوم: استدلال مخالفین نظر شورای نگهبان

گروهی دیگر به این نظر شورا ایراد گرفته اند و چنین استدلال کرده اند که در مرور زمان هیچ حقی ساقط نمی شود که غیر شرعی باشد بلکه تنها حمایت قانونی از حق صورت نمی گیرد. این گروه معتقدند که طبق ماده ۲۶۶ قانون مدنی جدید در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه وجود ندارد، اگر متعهد طبق خواست خود آن را انجام دهد دیگر دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود. این گروه به نقل از کتاب آیین دادرسی مدنی نوشته دکتر دفتری که بخشی از سخنان آیت الله مدرس را بیان نموده که بدین شرح است: ما اساساً به عقیده اسلامی خودمان این محاکم عرفی دولتی را خلاف شرع دانسته و برای رسیدگی و مداخله در هیچ دعوی صالح نمی دانیم.

مبحث سوم: در مبنا و اثرات مرور زمان

گفتار اول: در خصوص آثار

امروزه کشورهای مرفعی در پی کاهش هزینه های اداری خود هستند بطوریکه تلاش می کنند هزینه های عمومی مثل هزینه های کارمندان اداری و قضایی و... را کاهش دهند. این در حالی است که با وجود مرور زمان بسیاری از دعاوی نبش قبر می شوند به نحوی که در حوزه اموال غیر منقول و املاک بی ثباتی پدید می آید.

مرور زمان دارای اثر قهری است و از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن نیاز به درخواست ندارد و طرف دعوی نمی تواند آن را نپذیرد. مرور زمان موضوعی نیست که قابل تصرف نباشد اما موضوعی است که از وجود آن نمی توان صرف نظر کرد.

در خصوص اثر قهقرایی مرور زمان نیز باید گفت که پس از اینکه مرور زمان پایان یافت جنبه قهقرایی آن آغاز می شود و به زمان شروع مدت مرور زمان بازمی گردد. کسی که به موجب مرور زمان مالک ملک

شناخته می‌شود مسئول رد محصول و نمائات آن ملک در مدت تصرف گذشته نیست. همچنین بدهکاری که بدین وسیله بری الذمه شده نه فقط به اصل دین بلکه نسبت به منافع مدت گذشته نیز بری الذمه می‌شود. دلیل اصلی محبوبیت دکترین مرور زمان که امروزه در تمامی نظام‌های حقوقی معتبر دنیا جاری است و حتی در قوانین بین‌المللی نیز نفوذ کرده، آثار مثبت حقوقی آن است که النهایه موجب آرامش و نظم در جامعه می‌گردد. یکی از اهداف کلیدی مرور زمان ایجاد صلح و آرامش حقوقی و ذهنی است، چراکه عادلانه نیست شخصی در معرض طرح دعوی به مدت نامعلوم و نامحدود قرار گیرد لذا اشخاص باید از ترس طرح دعوی علیه خود نسبت به اعمال واقع شده در گذشته بعد از گذشت مدت معین رها شوند.^۳

گفتار دوم: در خصوص مبنا مرور زمان

مرور زمان در اصل با تفکر حفظ منافع و مصالح اجتماعی طراحی گشت. برای درک این موضوع کافی است جامعه‌ای را تصور کنیم که قاعده مرور زمان را قبول ندارد. فرض کنیم طلبکاری حق اقامه دعوی و استیفای حق خود را حتی با گذشت زمان طولانی داشته باشد و بدهکار برای اثبات عدم بدهکاری خود نیاز داشته باشد که مدرکی را نشان‌دهنده‌ی پرداخت دین خود است، ارائه کند. این امر مستلزم رنج و مشقت فراوان برای بدهکار است یا ممکن است بدهکار در گذشته باشد آیا می‌تواند این حق را برای طلبکار قائل شد که این مدرک را از ورثه بدهکار نخواهد؟

این فرضیه اصلاً منطقی نیست به نظر می‌آید که به منظور تثبیت روابط حقوقی افراد بهتر است که فرض را بر این بگذاریم که طلبکار طلب خود را دریافت کرده یا حداقل اینکه ذمه بدهکار پس از این سکوت طولانی بری شده است. پس همان‌طور که برای دعاوی و مخاصمات مهلتی قرار داده شده که باعتبار قضیه محکوم بها تحقق پیدا می‌کند پس لازم است که برای مطالبه حقوق هم فرصتی داده شود که این امر با مرور زمان محقق می‌گردد تا وضع حقوقی در هر دو حالت باثبات و مستقر گردد.

^۳ آثار مرور زمان در دادنامه و کیفر، ص ۵۱۶، نشر دادگستر. ۱۳۴۰

مبحث چهارم: مرور زمان و دیگر کشورها

بند اول: مرور زمان در روم

قوانین و مقررات مرور زمان به دلیل اینکه مربوط به ضروریات اجتماعی انسان‌ها هستند به فرهنگ‌ها و جامعه خاصی تعلق ندارند. قدیمی‌ترین قانونی که ردپایی از مقررات مرور زمان در آن یافت می‌شود قوانین روم هستند. در لوح قدیمی باستانی بجا مانده از ایام کهن در این کشور تعدادی قوانین یافت شده که در آن مرور زمان تحت عنوان اوزو کاپیون در امر مالکیت پذیرفته شده است.

بند دوم: مرور زمان در فرانسه

در فرانسه نیز در بسیاری از موارد از جمله مقررات مرور زمان از حقوق و قوانین روم الهام گرفته شده‌اند.

در دوران سلطنت تئودور کبیر در سال ۱۴۴۲ دعاوی در اموال، دعاوی عینی و شخصی و مختلط مشمول مرور زمان می‌شدند در اموال کلیسا نیز مدت مرور زمان صدسال تعیین شده بود. در حقوق فرانسه نیز مرور زمان به عنوان عامل ایجاد حق و عامل مسقط حق در امور مالی پذیرفته شده است و در قانون مدنی آن کشور به عنوان سبب تملک و جزء اسباب سقوط تعهدات از آن یاد شده است و به موجب ماده ۲۲۷۰ قانون ۱۹۸۵ میلادی و دعاوی ناشی از آن مدت مرور زمان دو سال تعیین شده است.

بند سوم:

مرور زمان در آلمان: در قرن ۱۵ و ۱۶ در آلمان فقط مرور زمان دعوی عمومی پذیرفته شده است. عبارت *verghrung* در حقوق آلمان همان مرور زمان مدنی است به معنای ریشه دواندن و مزمن شدن است. و مقصود از آن وضعیت متصرف نسبت به مال است که در طول زمان ایجاد شده است.

بند چهارم:

مرور زمان در انگلستان: در این کشور نوع دیگری از مرور زمان مدنی پرسکریپشن یا مملک نیز در حقوق این کشور مورد قبول واقع شده است.

مبحث پنجم: انواع مرور زمان مدنی

مرور زمان را از حیث آثار و نتایج آن به دو قسمت تقسیم می‌کنیم.

۱) مرور زمان مملک ۲) مرور زمان مسقط

بند اول: مرور زمان مملک

در این مرور زمان فرد به واسطه متصرف بودن در مدت معینی مالک عین متعلق به دیگری می گردد. مرور زمان مملک وسیله تحصیل مالکیت برای تصرف نسبت به اموالی است که در اصل متعلق به دیگران بوده و مالک یا مالکان آنها ظرف مدت مقرر در مقام مطالبه یا اعمال حقوق خود برنیامده اند.

بند دوم: مرور زمان مسقط

اثر مرور زمان پس از مدتی ساقط می گردد. یعنی این نوع مرور زمان سبب سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد برابر طلبکاری است که ظرف مدت مقرر اجرای تعهد را از متعهد درخواست نکرده است.^۴ وجه مشترک هردوی اینها این است که هر دو بر روی خود حق تأثیر دارند اگرچه یکی ایجادکننده حق و دیگری از بین برنده آن است.

مبحث ششم: مقصود از مرور زمان عام و خاص

مراد از مرور زمان عام، هرگونه گذشت زمان، مهلت و موعدی است که شخص با سپری شدن آن، حقی را ازدست داده و یا واجد حقی از جمله حق اقامه دعوا می گردد. به نظر می رسد که تفاوت این دو در عموم و خصوص، نوعی و شخصی بودن و طول مدت آنها است؛ اما در ذات و ماهیت تفاوتی ندارند و حقیقت هر دو از دست دادن یا به دست آوردن نوعی حق از جمله حق اقامه دعوا در اثر گذشت زمان است و هر دو به منظور حفظ نظم قضایی مقرر گردیده اند. چنین نیست که (مهلت یا موعد) زمان طبیعی لازم برای انجام یک عمل باشد، برخلاف مرور زمان. همچنین نمی توان گفت در مهلتها و مواعد پذیرفته شده در قانون یا فقه، زمان مؤثر در پیدایش قانون است، ولی در مرور زمان این طور نیست؛ زیرا مدت مرور زمان نیز با توجه به آثار واقعی گذشت زمان در هر مورد مقرر می گردد. امروزه، مرور زمان در ادبیات حقوقی جهان انسجام یافته و دارای عناصر و ارکانی شناخته شده است. تعریفی که از مرور زمان ارائه گردید، درواقع همان مفهومی است که به آن مرور زمان خاص گفته می شود. مراد از مرور زمان عام، هرگونه گذشت مهلت و موعدی است که شخص با سپری شدن آن حقی را ازدست داده و یا واجد حقی از جمله اقامه دعوا

^۴ عباس تبار، فیروزجاه، روحی زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴

می‌گردد. مرور زمان عام با مرور زمان خاص در ذات و ماهیت تفاوتی ندارند و تفاوت آن‌ها صرفاً در عموم و خصوص، نوعی و شخصی بودن و طول مدت خلاصه می‌شود.

مبحث هفتم: انواع مرور زمان

گفتار اول: مرور زمان مدنی

دعای حقوقی و اختلافات مدنی در زمره حقوق خصوصی است هر دعای مدنی می‌بایست هم از جهت ماهوی و هم شکلی مورد بررسی قرار بگیرد و در دعای حقوقی موضوعات حقوقی، قانون مدنی تنها منبع رسیدگی ماهوی دعای است و به جهت این که مرور زمان در نظام حقوقی ایران از اسباب تملک و سقوط تعهدات یا موجبات براءت ذمه شناخته نشده، اثر مرور زمان منحصرأ اسقاط دعوی بوده است. همچنان که در مورد دین طبیعی و پرداخت ارادی آن در ماده ۲۶۶ ق.م آورده در مورد تعهداتی که برای متعهد قانوناً حق مطالبه نیست، اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود که موجب عدم استماع دعوی خواهد بود. در قانون آیین دادرسی مدنی مرور زمان پیش‌بینی شده مشتمل بر سه دسته بوده است: مرور زمان بیست‌ساله، مرور زمان سه‌ساله و مرور زمان یک‌ساله.^۵

گفتار دوم: مرور زمان تجاری

حقوق تجارت در گذر زمان و به دلیل ناکفایتی حقوق مدنی و آیین دادرسی، بر پایه عرف بین تجار ایجاد شد. دانستن این مطلب بسیار حائز اهمیت است که تاریخ تجارت، به‌خودی‌خود اهمیت ذاتی ندارد. مثلاً اینکه تاریخ تدوین کد تجارت فرانسه در چه روزی بوده است، لایه سطحی تاریخ است. نهادها و قواعد تجارت که در حال جهانی شدن هستند بر اثر ضرورت و به دلیل پیچیده شدن نحوه گردش ثروت در جامعه، لزوم سرمایه‌گذاری‌های کلان و به تبع نیاز به پول کلان و... ایجاد شدند. حقوق همیشه فرمان دادن و فرمان‌برداری صرف نیست. بسیاری از قواعد بر اثر ضروریات ایجاد می‌شود و حقوق چاره‌ای جز شناسایی و نهایتاً سازمان‌دهی آن ندارد. به نظر می‌رسد عقب‌نشینی قانون چک در مورد جرم‌زدایی چک مدت‌دار و به رسمیت شناختن چک دارای تاریخ مؤخر به همین دلیل صورت گرفت. متأسفانه علی‌رغم بداعت موضوع و آسیب‌های وارده جدی به اقتصاد و تجارت کشور (بر اثر نادیده گرفتن این موضوعات) ظاهراً هنوز قصد

^۵ یعقوبی، قاسم، تحلیل حقوقی مرور زمان. ۱۳۹۸

جدی مبنی بر شناسایی حقوق تجارت به عنوان یک نظام حقوقی مستقل و دارای ضروریات خاص وجود ندارد. از ویژگی‌های معاملات تجاری (یا معاملات بین تجار)، لزوم وجود قواعد و حقوقی است که سرعت و اطمینان را در معاملات تضمین کند. لذا همین ضرورت، وجود مسئولیت تضامنی را ضروری می‌سازد. همچنین لزوم به حداقل رساندن موارد فسخ قرارداد، افزایش دادن موارد تضمین قرارداد (مثل ضمانت‌نامه‌های بانکی، افزایش پوشش بیمه و ... اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از ضروریات حقوق تجارت، می‌توان به لزوم وجود مرور زمان و لزوم کوتاه بودن این مرور زمان اشاره کرد. تمام نهادها و سازمان‌های جدید بر اثر تغییرات و تحولات ایجاد شده در روابط اجتماعی و به دلیل پیچیده‌تر شدن اقتصاد به جامعه تحمیل شدند.

در قوانین تجارت بسیاری از کشورها، در اولین مواد به تعریف تاجر و معاملات تجاری پرداخته شده است. از یک دیدگاه، دلیل این امر این است که بتوانند مرز تفکیک بین معاملات مدنی و تجاری را به دقت معین کنند. اگرچه مواردی مثل مرور زمان‌های کوتاه در قوانین تجارت، امری روشن و اجتناب‌ناپذیر است همین مرور زمان‌های کوتاه در معاملات مدنی و بین مردم عادی، نه تنها غیر ضروری است بلکه موجب تشویش و افزایش هزینه نیز خواهد شد.^۶

بنابراین لزوم تفکیک بین تجار و غیر تجاری از دید تحلیل اقتصادی حقوق ضرورت می‌یابد. علت کارایی مرور زمان‌های کوتاه در معاملات تجاری چند دلیل است: نخست (همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد) اینکه نگهداری اسناد و امثالهم، (از باب تأمین دلیل) برای شخصی که (به‌طور مداوم و در حجم وسیع)، معاملات تجاری می‌کند، بسیار پرهزینه خواهد بود. هزینه‌هایی که او بابت بایگانی دفاتر تجاری، بیمه‌های طولانی مدت و ... می‌کند، نهایتاً بر قیمت تمام شده کالا یا خدمات عرضه شده تحمیل می‌شود. از آنجا که قشر تاجر، بر منافع خود بیشتر واقف هستند (و در رسیدن به حق خود، معطل نمی‌کنند)، مرور زمان‌های طولانی، عملاً تنها هزینه‌ای بیشتر بر مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کند. دومین دلیل لزوم وجود مرور زمان‌های کوتاه این است که در هزینه محاسبات ماهانه و سالانه شرکت صرفه‌جویی شود. در بحث ورشکستگی، موضوع کاملاً متفاوت و عکس است. ورشکستگی امری کاملاً غیر شخصی و مربوط به نظم عمومی است. ورشکستگی (خصوصاً در شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها) اقتصاد کل جامعه را تحت تأثیر

^۶ کاتوزیان، ناصر، مرور زمان اسناد تجاری

قرار می‌دهد و مرور زمان را که اصولاً بامعنای مسامحه در رسیدگی عجین است بر نمی‌تابد. اگرچه با گذشت زمان نسبتاً طولانی، نقطه بازگشتی به نفع وجود مرور زمان پیش رو خواهد بود، این زمان، با سایر مرور زمان‌های تجاری قابل مقایسه نیست. مالکیت فکری از جمله نهادهایی است که حاصل نظام اقتصادی جدید است. اینکه به مخترع اجازه داده می‌شود که اختراع خود را ثبت کند و مثلاً از حق انحصاری او به مدت بیست سال حمایت می‌شود و بعد از بیست سال استفاده از اختراع او برای عموم رایگان می‌شود، حاصل ده‌ها سال مطالعه و تجربه‌های پی‌درپی و نتیجه نزاع بین حمایت از مخترع و حمایت از جامعه بوده است. رسیدن به کاراترین نقطه این کشمکش (یعنی بین حمایت از انگیزه‌های مخترع و حمایت از رفاه مردم) این شده است که کشورها به تناسب درجه پیشرفت و حجم مبادلات اقتصادی و غیره، مدت زمانی (مثلاً بیست سال) را برای حمایت از مخترع یا هر صاحب حق فکری دیگری پیشنهاد داده و آن را تبدیل به قانون می‌کنند.

می‌توان این را که بعد از بیست سال، صاحب حق تقریباً از شکایت (در رابطه با حق فکری‌اش) ناتوان می‌شود نوعی مرور زمان محسوب کرد. بنابراین تحلیل اقتصادی حقوق توصیه می‌کند که حمایت یا عدم حمایت و مدت این حمایت را نه از روی ترجمه و تقلید بلکه بر مبنای رسیدن به نقطه بهینه انجام دهد. مقرراتی که در قانون تجارت مشعر بر مرور زمان است بعد از انقلاب اسلامی صراحتاً دستخوش تغییر واقع نگردید. و به جز مواردی نادر که به کمک فحوی دلیل و تنقیح مناط می‌توان عدم اعتبار آن را فهمید، بقیه به جای خود باقی است و محاکم عموماً به آن عمل می‌نمایند.

گفتار سوم: مواد قانون تجارت

در قانون تجارت علاوه بر مرور زمان تجاری که در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت بیان شده است در برخی از مواد دیگر همین قانون مثل مواد ۲۱۹ و ۳۹۳ مدنظر قرار گرفته است.

بند اول:

ماده ۳۱۸ ق.ت مقرر می‌دارد دعاوی راجع به برات و فته طلب و چک که از طرف تاجر یا برای امور تجارتی صادر شده، پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود.

بند دوم:

ماده ۳۱۹ مقرر داشته که اگر وجه برات یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد دارنده برات یافته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده مطالبه نماید.

حال با توجه به مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت مرور زمان اسناد فوق الذکر بررسی می گردد:
اولاً تفسیر این که مقررات ماده ۳۱۸ ق.ت شامل سفته هایی که از طرف تجار یا غیر تجار صادر می شود مورد اختلاف است.

عده ای عبارت «که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده است» را فقط مربوط به چک می دانند و عده ای آن را مربوط به سفته نیز می کنند و عده ای آن را شامل برات، سفته و چک می دانند. در مورد برات چون ماده ۲ قانون تجارت معاملات برواتی را اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد تجاری می داند اغلب محاکم برات را چه از طرف تاجر چه از طرف غیر تاجر و چه برای امور تجاری صادر شده باشد مشمول ماده ۳۱۸ و مرور زمان ۵ ساله می دانند. در قسمت چک نیز چون ماده ۳۱۴ ق.ت تصریح می کند که صدور چک ذاتاً عمل تجاری نیست،^۷ تقریباً اتفاق عقیده وجود دارد و فقط چک هایی که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده باشد، مشمول ماده ۳۱۸ و مرور زمان پنج ساله تلقی می شود. تا این که برای رفع اختلاف هیئت عمومی دیوان عالی کشور درباره دعوایی که به موجب سفته اقامه گردیده بود توصیف ماده ۳۱۸ را مربوط به سفته و چک دانسته و به این ترتیب سفته در صورتی مشمول مرور زمان ۵ ساله می گردد که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده باشد. (رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۲۲ آذر ۱۳۳۹).

ثانیاً از شق اول ماده ۳۱۸ قانون تجارت درمی یابیم که برات یا سفته یا چک تا ۵ سال از مزایای اسناد تجاری بهره مند می شدند و بعد از این مدت در ردیف اسناد عادی مدنی یعنی غیر بازرگانی درآمده، تابع مرور زمان آیین دادرسی مدنی می شدند.

^۷ قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱.

گفتار چهارم: مرور زمان چک

ماده ۳۱۸ قانون تجارت: دعاوی که در خصوص برات و چکی که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده، پس از انقضاء پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه یا آخرین تعقیب قضایی مسموع نخواهد بود. مگر در یک صورت، آن هم اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ شروع مرور زمان از تاریخ اقرار خواهد بود.

ماده ۳۱۹: اگر وجه برات یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد دارنده برات یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت مطالبه نماید.

در مورد اجرا دو مواد مزبور سه نظر وجود دارد:

گفتار پنجم: نظریات مطرح در خصوص موارد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت

بند اول:

گروهی می گویند مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت فقط ناظر به موردی است که برات یا چک از طرف دارنده و یا یکی از ایادی ماقبل او به علت عدم تأدیه اعتراض شده باشد و در صورت عدم اعتراض سند تابع مرور زمان مربوط به خود است.^۸

بند دوم:

گروه دوم چنین استدلال می کنند درست است که ماده ۳۱۸ دعاوی مربوطه به برات و چک را پس از انقضاء مدت ۵ سال در دادگاهها قابل استماع نمی داند ولی اثر ماده مزبور فقط سلب مزایای تجاری اوراق مزبور است و پس از آن سند به منزله سند حقوقی ساده ای است که تا حصول مرور زمان اموال منقول اعتبار دارد.

بند سوم:

گروه سوم عقیده دارند که مقررات ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت هر یک بجای خود باید اجرا شوند بدین طریق که بر طبق ماده ۳۱۸ دارنده برات حق ندارد به صادر کننده و ظهر نویس ها و محال علیه مراجعه کنند.

^۸ کاتوزیان، ناصر، مرور زمان اسناد تجاری.

مبحث هشتم: ایراد مرور زمان حق کیست

ایراد مرور زمان حق خوانده است زیرا طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم از جمله ایراداتی که خوانده می‌تواند ضمن دفاع از ماهیت دعوی ایراد کند ایراد مرور زمان است و در این ماده ذکر از خواهان نشده بعلاوه به موجب ذیل ماده ۲۰۱ قانون سابق این حق به مدعی علیه داده شده و به نظر می‌رسد که ایراد مرور زمان حق خصوصی خوانده است و خواهان نمی‌تواند از این حق استفاده کند.

گفتار اول: ایراد مرور زمان در جریان دادرسی تا چه حد قابل قبول است

به نظر می‌آید که ایرادهایی که جنبه منافع خصوصی اصحاب دعوی را در بردارد محدود به نوبت و زمان است که این معنی را از توجه به ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی سابق می‌فهمیم که گفته شده ایراد در دادرسی‌های عادی باید در اولین لایحه که در پاسخ طرف داده می‌شود به عمل آید و در دادرسی‌های اختصاری در اولین جلسه دادرسی، مگر اینکه سبب ایراد بعد حادث شود، که در این صورت اگر سبب در طی رسیدگی حادث شود ناچار ایراد همان موقع حدوث باید قابل استماع باشد مثلاً خواهان در اثناء رسیدگی محجور شود و از این قبیل.^۹

بند اول: ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی (منسوخ)

طبق ق.ا.د.م قدیم ایراد مرور زمان را مدعی علیه می‌تواند در محاکمات اختصاری در اولین جلسه و در محاکمات عادی در اولین لایحه که در جواب دعوی می‌دهد و در مورد حکم غیابی ضمن اعتراض به اولین لایحه که در جواب اعتراض داده می‌شود بنماید و همچنین است در مورد شکایت پژوهش از حکم غیابی.

طبق این ماده اگر قبول کنیم اگر ایراد مرور و سایر ایراداتی که جنبه منافع خصوصی طرفین دعوی را دارند مقید به زمان و محدودیت معینی هستند باید تصدیق کرد ایراداتی که موضوع آن‌ها مربوط به نظم عمومی و از قواعد امره می‌باشند مقید به زمان و محدود به نوبت نیستند و فرض سکوت طرفین دعوی توجه به ایراد است و از این نظر ایرادات مذکور شبیه به دفاع به معنی اخص هستند که اصولاً محدود و مقید به وقت و نوبت نبوده و در تمام مراحل دعوی، خوانده می‌تواند این وسیله را با رعایت قواعدی که برای نظم مقدمات کتبی در دادرسی عادی مقرر شده است بکار بندد.

^۹ ایراد مرور زمان، باوری، فتح الله، ۱۳۸۹.

گفتار دوم: آیا ایراد مرور زمان همه وقت قابل قبول است ؟

در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. گروهی قبول آن را در تمام مراحل دادرسی جایز می دانند و گروهی به منع جواز آن اعتقاد دارند.

دسته اول معتقدند قانون گذار در این مورد ضابطه قاطعی به دست نداده و ایراد مرور زمان همه وقت قابل توجه است و در آیین دادرسی مدنی قدیم ایراد را در غیر لایحه اول و در غیر از جلسه اول دادرسی قابل قبول می دانند دسته دوم عقیده دارند که با تصریح قانون گذار در قانون آیین دادرسی مدنی تردیدی نیست که ایراد مرور زمان همه وقت نمی تواند قابل قبول باشد و چنانچه در غیر از جلسه اول دادرسی و در غیر از اولین لایحه ایراد شود قابل رد است.^{۱۰}

مبحث نهم: مرور زمان دیون رسمی

مرور زمان مذکور در قانون آیین دادرسی قدیم صرفاً ناظر به دعاوی است و عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دیگر دعوا شنیده نمی شود و در ماده ۷۳۷ قانون قدیم مزبور نیز که اکنون منسوخ گردیده مدت مرور زمان را تعیین و مرور زمان عین و منافع یا نظایر آن را ۱۰ سال معین نموده عبارت است از مرور زمان دیونی که برای مطالبه آن باید با اقامه دعوا به محاکم دادگستری مراجعه نمود و چون نسبت به اسناد رسمی لازم الاجرا در صورت خودداری متعهد از ایفاء تعهد و پرداخت بدهی خود ناچار متعهدله با صدور اجراییه در دفترخانه رسمی یا اجرای ثبت حق خود را مطالبه می کند، دیگر نمی توان در این گونه موارد که طلب به موجب سند رسمی و با صدور اجراییه مطالبه می شود موضوع مورد زمان را مطرح نمود و دفاتر اسناد رسمی یا دوایر اجرای ثبت در هر حال مکلف به صدور اجراییه بوده مگر این که متعهد له به جهاتی بخواهد حق خود را که به موجب سند رسمی مستقر شده و بیش از ۱۰ سال از تاریخ اقدام گذشته با طرح دعوا به وسیله محاکم دادگستری از متعهد مطالبه کند.^{۱۱}

^{۱۰} شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد سوم، تهران: نشر دراک. ۱۳۸۰ و شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته،

جلد اول، تهران: نشر دراک. ۱۳۸۶

^{۱۱} کاشانی، مهدی، مرور زمان دیون، ص ۱۳۸۵، ۶۰

در این صورت بدیهی است خواننده دعوا یا متعهد می‌تواند با استناد مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و به‌عنوان اینکه بیش از ۱۰ سال از تاریخ طلب خواهان گذشته ایراد مرور زمان نماید و البته در چنین صورتی دادگاه نمی‌تواند به علت این که مستند دعوا سند رسمی است از قبول ایراد فوق خودداری کند.^{۱۲}

زیرا ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم دوران را به‌طور عقب ذکر نموده و مرور زمان را اختصاص به دیون عادی نداده است در خاتمه این نکته را هم اضافه می‌کند که چنانچه پس از صدور اجراییه مدیون بخواهد با تقدیم دادخواست به دادگاه صلاحیت‌دار به‌عنوان اینکه مرور زمان شامل دین او شده تقاضای ابطال ورقه اجراییه را نماید به عقیده این جانب دادخواست و تقاضای او مردود شناخته خواهد شد زیرا به شرحی که فقط توضیح داده شد نه تنها دینی که با صدور اجراییه در اداره ثبت مطالبه شود مشمول مرور زمان بوده و اصلاً اجراییه تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نیست و دعوا تلقی نمی‌شود بلکه مدیون خواننده دادخواست مدعی دعوا شناخته‌شده و قانون ایراد مرور زمان از مدعی علیه پذیرفته می‌شود.^{۱۳}

مبحث دهم: تعلیق مرور زمان

در مورد ماده ۳۱۸ قانون تجارت موردی برای تعلیق مرور زمان پنج سال پیش‌بینی نشده است. گروهی عقیده دارند که مرور زمان ۵ ساله نسبت به هر کس و حتی نسبت به صغیر و مجنون جاری می‌شود و حتی قوه قاهره نیز قادر به تعلیق این مرور زمان نیست. حقوق‌دانان مزبور برای توجیه نظر خود استدلال مینمودند که مرور زمان بر علیه تمام اشخاص جاری می‌شود به شرط اینکه به موجب قانون استثنا شده باشد اشاره کرده و می‌گویند چون در قانون برای فورس ماژور قاعده‌ای استثنا نشده و به اضافه مرور زمان پنج سال جزء مرور زمان‌های کوتاه و بر طبق قانون مدنی علیه صغیر و مجنون نیز قابل جریان است لذا مرور زمان برات و چک قابل تعلیق نیست گرچه در حقوق ما نیز ممکن است استدلال شود که مرور زمان پنج ساله مندرج در ماده ۳۱۸ تابع قواعد کلی نبوده و تعلیق نمی‌شود ولی به نظر می‌رسد که چون حکم استثنایی در قانون تجارت وجود ندارد و مرور زمان تجاری در صورت نبودن نص صریح مخالف تابع قانون مدنی است.

^{۱۲} صفائی، عبدالصاحب، رساله مرور زمان، ص ۳

^{۱۳} کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۹۳

مبحث یازدهم: مرور زمان احکام غیابی

گفتار اول:

هرگاه حکم غیابی به محکوم علیه ابلاغ و محکوم له تقاضای صدور ورقه اجرائیه نکرده و یا بعد از صدور ورقه اجرائیه عدم اجرای آن مستند به خود محکوم له باشد و یک سال از تاریخ صدور حکم غیابی در صورت اول و از تاریخ صدور ورقی اجرائیه در صورت دوم گذشته باشد حکم غیابی از اعتبار افتاده و اگر مدعی بخواهد می تواند با رعایت قانون تجدید عریضه نماید.

از عبارت این ماده قدیمی منسوخ این طور برمی آید که مبدأ مرور زمان تاریخ صدور حکم غیابی است و دو شرط باید جمع شود تا بتوان حکم غیابی را مشمول مرور زمان گرداند.

(۱) حکم به محکوم علیه ابلاغ شده باشد

(۲) محکوم له تقاضای صدور ورقه اجرائیه نکرده باشد.

بند اول: عقاید مخالفین

برای مخالفت با صدور اجرائیه در مورد مفروض این طور استدلال می کنند که ابلاغ حکم به علتی در مدت زائد برای یک سال طولانی شده و محکوم له در انتظار ابلاغ حکم بوده و بلافاصله پس از ابلاغ و انقضای مدت اعتراض تقاضای مذکور را کرده و بالاخره کاری در تعقیب امر نموده که مستحق او باشد لکن از تاریخ صدور حکم غیابی، تاریخ تقاضای اجرائیه بیش از یک سال گذشته و ماده ۲۶۴ قانون قدیم (منسوخ) صراحتاً مبدأ این مرور زمان را تاریخ صدور حکم تعیین کرده لذا حکم غیابی بدون اعتبار و تعقیب امر موکول به تجدید دادخواست است.

بند دوم: عقاید موافقین

برای موافقت با صدور اجرائیه در مورد مفروض این طور استدلال می کنند که گرچه در تاریخ تقاضای صدور اجرائیه و یک سال از تاریخ صدور حکم گذشته و ماده ۲۶۴ قانون قدیم (منسوخ) ظاهراً صدور اجرائیه را در همچنین مواردی منع نموده اما با توجه به روح و مفاد ماده مذکور توهم مزبور بی مورد است زیرا در قسمت اول عبارت ماده قانون ۲۶۴ قدیم (منسوخ) موضوع مورد نظر حکم غیابی ابلاغ شده قرار گرفته و توجه قانون گذار صرفاً به حکم غیابی ابلاغ شده معطوف گردیده و اساساً حکم غیابی ابلاغ نشده مورد نظر

قرار نگرفته و مستندات از مجموعه قوانین و روح و فلسفه ایجاد مراکز زمان اعراض و انصراف ذی حق از طریق خود در مدت معین و موجود بودن وسایل قانونی تعقیب و چون در این مورد شرط اصلی و اساسی (وجود وسایل قانونی تعقیب حق) غیر موجود و پیش از ابلاغ حکم به محکوم علیه ایجاد حق تقاضای صدور اجرائیه برای محکوم له نشده بود و خودداری از آن تقاضا مستحق و تصور گردد و پس از ایجاد حق مذکور هم بلافاصله محکوم له از حق خود استفاده و تقاضای صدور اجرائیه نموده است لذا صدور اجرائیه بلاشکال است.

گفتار دوم: مرور زمان در دعاوی تجدیدنظر

گروهی معتقدند در حقوق اسلام حکم قاضی قطعی و لازم الاجرا است و جز در موارد استثنایی از قطعیت احکام است. تعیین مهلت برای اقامه دعوی تجدیدنظر با تعیین مهلت و مرور زمان در دعاوی بدوی از این نظر که هر دو مربوط به مسائل دادرسی و شکلی هستند فرقی نمی کند به علاوه در موارد استثنایی که تجدیدنظر از خود پیش بینی شده مانند اینکه قاضی به اشتباه حکم خود پی ببرد در واقع با اثبات موضوع مانند این است که حکمی وجود ندارد و الا حکم واقعی و شرعی به هیچ وجه قابل تجدید نظر نیست.

بنابراین جز در کوتاهی و بلندی مهلت بین دعاوی تجدیدنظر و دعاوی بدوی از نظر نفس دعوا بودن، اختلاف نیست. زمان تعیین موعد برای تجدیدنظر و عدم استماع دعوا تجدیدنظر در خارج از موعد مقرر را همانند مرور زمان عدم استماع دعوا بدوی را میتوان خلاف موازین شرعی اعلام کرد. البته گروهی دیگر بین مهلت های قانونی و مرور زمان تفاوت قائل شدند و اعتقاد دارند که اسقاط حق تجدید نظر خواهی بعد از گذشت مدت ۲۰ روزه مرور زمان نیست و ما تنها مهلت تجدید نظر را از دست داده ایم.

گفتار سوم: مرور زمان در دعاوی بدوی

بنابر آنچه گفته شد مرور زمان به آن گونه ای که در قانون کشورهای اروپایی آمده و واجد دو خصوصیت مستحق بودن و مملکت بودن آن است مخالف موازین شرعی است و هر کوششی برای توجیه آن و یافتن قالبی به ظاهر فقید برای آن پوششی نامناسب و توجیه بی اساس است ولی در مرور زمان عدم استماع دعوی وضعیت به کلی فرق می کند هر چند که ممکن است عملاً نتیجه آن یکسان باشد زیرا چنین مرور زمانی اول آنکه مشروط به ایراد خوانده دعوا است. در این نوع هیچ گاه حق ساقط نمی شود و با توجه به ماده ۲۶۶ قانون مدنی تنها وظیفه قانونی مدیون را به پرداخت دین به وظیفه وجدانی و اخلاقی مبدل می نماید و اگر

متعهد به میل خود آن را انجام دهد دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود و همچنین دین مشمول مرور زمان را از طریق کدخدامنشی یادآوری و یا از طریق تهاجر و دعوی متقابل می‌توان وصول کرد. و دعوی خواهان تنها جرمه کاهلی و تنبلی و نتیجه اقدام و عمل خود اوست.

مبحث دوازدهم: قطع مرور زمان

ماده ۷۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (منسوخ) موارد انقطاع مرور زمان را به‌طور کلی معین می‌کند و ماده ۷۶۴ قانون قدیم (منسوخ) همان قانون اثر این قطع را در مورد مرور زمان‌های ۲۰ ساله و ۱۰ سال و سه‌ساله و یک سال بیان می‌نماید و نظارتی به مرور زمان‌های پنج‌ساله ندارد در ماده ۳۱۸ ق. تجارت دو مورد زیر برای قطع مرور زمان پیش‌بینی شده است:

۱- اقامه دعوی در دادگاه

۲- اقرار بدین

در این دو مورد برخلاف حکم کلی ماده ۷۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (منسوخ) مهلت مرور زمان مجدداً شروع خواهد شد.

الف- اقامه دعوا در دادگاه

همان‌طور که گفته شد به‌موجب ماده ۳۱۸ قانون تجارت اقامه دعوا در دادگاه مرور زمان را قطع می‌نماید و مهلت مرور زمان مجدداً از تاریخ تقدیم دادخواست شروع خواهد شد ولی بر طبق ماده ۷۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (منسوخ) در موارد زیر اقامه دعوا تأثیری در جریان مرور زمان ندارد:

۱) در صورتی که دادخواست به‌واسطه نداشتن شرایط قانونی یا به جهت دیگری باطل یا مردود شود

۲) در صورتی که مدعی دعوی خود را استرداد کند

۳) در صورتی که دعوی مدعی به جهتی از جهات قانونی مردود یا ساقط شود

۴) در صورتی که دادخواست به دادگاه غیر صالح داده‌شده و تا سه ماه پس از ابلاغ قرار قطعی عدم

صلاحیت در دادگاه صلاحیت‌دار دعوا اقدام نشود.

ب) اقرار بدین

راجع به اثر اقرار دو متضاد وجود دارد بعضی عقیده دارند که اثر اقرار مربوط به سند قضایی است که

قبلاً تنظیم شده و عده دیگری بالعکس اقرار را سند قضایی جدیدی می‌دانند که قائم‌مقام اسناد قبلی می‌گردد

قانون تجارت از عقیده دوم پیروی کرده و برای اقرار اثر خاصی قائل شده و به جای آنکه مرور زمان را قطع شده بداند صریحاً مقرر داشته که مدت مرور زمان از نو شروع خواهد شد.

ماده ۳۱۸ قانون تجارت با این عبارت که مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد صفت رسمیت را برای اقرار قید نموده و معلوم نیست که مقصود قانون گذار از این قید چیست و آیا مقصود این است که اقرار باید صریح در موضوع و مبهم نباشد؟

به موجب شق ۲ از ماده ۷۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (منسوخ) اقرار مدیون در دادگاه و یا در سندی که به امضاء اوست برای قطع مرور زمان کافی است و با توجه به این که بر طبق قانون مدنی اقرار شفاهی خارج از دادگاه را نمی توان به وسیله شهادت شهود اثبات نمود شاید بتوان ادعا کرد که مقصود ماده از قید کلمه رسمیت رد اقرار شفاهی خارج از دادگاه باشد.

آیا مرور زمان بیشتر از یک بار بار نیز قابل انقطاع است؟

به موجب ماده ۷۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم (منسوخ) مرور زمان بیش از یک دفعه مقطع نمی گردد بنابراین ممکن است استدلال شود تاریخ مرور زمان، تاریخ اقامه دعوا است شاید این استدلال بامنظور قانون گذار نیز توافق بیشتری داشته باشد ولی با توجه به سیاق عبارت ماده ۳۱۸ که مقرر می دارد دعاوی راجع به برات و چک پس از انقضاء ۵ سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب خواهد گردید و در نظر گرفتن جهات اختلافی که حکم ماده ۳۱۸ با سایر موارد انقطاع مرور زمان دارد به نظر مشکل می رسد که دادرس دادگاه بتواند تاریخ شروع مرور زمان را از تاریخ تقدیم دادخواست بداند.

مبحث سیزدهم: فواید مرور زمان

مرور زمان برای مدعی و مدعیان علیه و دولت و افراد هیئت اجتماع فواید بی شماری در بر خواهد داشت. اولین فایده آن برای مدتی این است که اثبات حقیقت بعد از طول مدت خالی از اشکال نبوده و در نتیجه حق خود را از دست داده و از لحاظ اینکه در مدت معین قانونی در مقام مطالبه حق خود بر نیامده و از آن ها اعراض نموده است، مرور زمان برای اعمال او به منزله مجازات است. مرور زمان به اشخاصی که سند مالکیت نداشته و یا آن را گم کرده اند نیز کمک نموده و مردم را از قید حفظ سند مالکیت خود و

ایادی سابق بر خود آزاد می‌نماید و مدیون هم مجبور است در نتیجه نبودن مرور زمان سند براءت خود را سال‌های متمادی هم خود و هم وراث او نگاه دارد. و نیز در مطالبه نکردن حق خود که مدتی از آن گذشته و به واسطه مرور زمان مدعی علیه شهود خود را ازدست داده و یا آنکه از عهده حفظ اسناد خود بر نیامده است و لازم نیست که همیشه فعلی از شخصی صادر شود که سبب جبران خسارت دیگری شود گاهی هم ترک فعل و یا عدم صدور فعل تا یک موعده معینی همین حال را خواهد داشت و این عمل منطبق می‌شود با این اصل که از افراط علنی در یک حقی حمایت نمی‌شود مگر به واسطه قانون.

نفع دولت در وضع قانون مرور زمان این است که اگر عده دعاوی محدود نشود هر سندی را می‌توان عنوان و مدرک قرارداد و این که قرن‌ها از موقع احقاق حق چنین امری گذشته باشد و همین مطلب سبب انزجار مردم از دادگستری می‌شود و در نتیجه مرور زمان کلیه مرافعات و دعاوی محدود گردیده و عده قضات نیز کاسته شده و خرج دولت هم به همان نسبت کسر خواهد شد.

مبحث چهاردهم: وضعیت حقوقی مرور زمان بیمه‌های مسئولیت وسایل نقلیه

ابتدا وضعیت مرور زمان بیمه‌های مسئولیت وسایل نقلیه و قوانین موضوعه و ثانیاً در آرای وحدت رویه بررسی خواهد شد.

قانون بیمه مصوب سال ۷۶ که یک قانون عام در حوزه دعاوی بیمه محسوب مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه ۱ سال است. در ماده ۷۶ اشعار می‌دارد ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوی خواهد بود، لکن دعاوی که قبل از اجرای این قانون در محاکم طرح شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود و آن را مشمول مرور زمان دوساله می‌داند. براساس این ماده قانونی با توجه به اطلاق آن کلیه دعاوی مربوط به قرارداد بیمه، دو سال بعد از وقوع حادثه مشمول مرور زمان خواهد شد و قابلیت استماع در دادگاه را از دست خواهد داد.

و به نظر می‌رسد منظور از دعاوی ناشی از بیمه قرارداد بیمه باشد؛ خواه آن قرارداد بین طرفین دعوی تنظیم یافته و خواه بین یکی از آنان بیمه‌گر با شخص دیگری که نسبت به دعوی ثالث است. آنچه که مهم است در خصوص بررسی مرور زمان دعاوی مربوط به بیمه‌های مسئولیت قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ است و اهمیت بررسی قاعده کلی مرور زمان در قانون بیمه از آنجایی است که با نسخ ماده مرقوم در خصوص مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه، ما را جهت بررسی اعتبار این قاعده در قوانین خاص

رشته‌های مختلف بیمه همچون بیمه اتومبیل رهنمون خواهد ساخت و اگر مرور زمان مزبور معتبر باشد در این صورت نوبت به بررسی قانون جدید بیمه شخص ثالث و منابع دیگر خواهد رسید که در این فرض در صورت سکوت محض یا اجمال یا ابهام در قوانین خاص اخیرالتصویب، حکم کلی قانون عام بیمه قبلی در خصوص مرور زمان معتبر و راهگشا خواهد شد. لازم به ذکر است که قانون بیمه، قانون عام در حوزه قوانین بیمه‌ای محسوب می‌گردد و در نتیجه حکم مرور زمان مصرح در این قانون می‌تواند توسط قوانین خاص بعدی در رشته‌های مختلف بیمه‌ای من جمله بیمه‌های مسئولیت اتومبیل، تخصیص یا نسخ گردد که در مبحث بعدی مورد اشاره خواهد گردید. بنابراین سؤال مطرح این است که آیا حکم کلی ماده ۷۶ قانون بیمه در خصوص مرور زمان به قوت خود باقی است یا این که اعتبار خود را ازدست داده است؟

در این خصوص شورای نگهبان در نظریه شماره ۶۱۱۱۲۷۷۲۵۷ اعلام نموده است: (مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال - بیست سال - سه سال - یکسال و...) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، بنابراین مرور زمان مخالف با موازین شرع انور تشخیص داده شد.

و در قانون آیین دادرسی مدنی سابق همراه با قواعد فرعی آن من جمله تعلیق و توقیف و قطع و... با صدور نظریه مرقوم، اعتبار خود را از دست داد. سؤال مطرح این که آیا حکم نظریه مزبور شامل مرور زمان بیمه‌ای قانون بیمه می‌گردد یا نه؟ در پاسخ دو رویکرد بین اندیشمندان حقوقی وجود دارد.

رویکرد اول معتقدند مرور زمان خاص یا عام در قوانین وجود ندارد بلکه مدت‌های مرور زمان ممکن است متفاوت باشند و از قواعد عمومی پیروی نکنند. در قانون بیمه یا قانون تجارت برای مرور زمان با فرض بقاء، مدت خاص مقرر شده است و نباید آن را مرور زمان خاص نامید. ثانیاً با نسخ اصل و اساس مرور زمان در نظام حقوقی، دیگر نوبت به زمان‌های خاص نمی‌رسد و با نسخ اصل، فرع نیز منتفی می‌شود

در مقابل، رویکرد دوم چنین است، طرفداران این نظر معتقدند نظریه شورای نگهبان، مرور زمان عام مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی سابق را منتفی نموده است و با این وجود مرور زمان‌های استثنایی مانند آنچه در قانون بیمه و قانون تجارت است به قوت خود باقی است. اساتید حقوق تجارت در این خصوص

عقیده دارند نظریه شورای نگهبان فقط در مورد مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی قابل اعمال است. زیرا در نظریه مذکور صرفاً به مواد مزبور اشاره شده است

عده دیگر در تائید این نظر معتقدند که این مرور زمان‌ها خاص می‌باشند و نظر شورای نگهبان در مورد آن‌ها جاری نبوده و به اعتبار خود باقی می‌باشند.

بنابراین، از میان دو نظر فوق، به نظر می‌رسد که رویکرد دوم صحیح باشد، چرا که اولاً شورای نگهبان، در نظریه دیگری به شماره ۳۵۰۶ مورخ ۱۳۷۱/۵/۱۱ مفاد نظریه مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ خود را مطلق تلقی نکرده است. در نظریه اخیر شوراییان داشته که نظریه مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ شامل دعاوی اشخاص حقیقی یا حقوقی که در قوانین و مقررات کشورشان مرور زمان پذیرفته شده است، نمی‌شود. به عبارت دیگر هدف شورا، محدود ساختن قواعد مرور زمان بوده است نه خروج کلی آن از نظام حقوقی.

همچنین رویه عملی شرکت‌های بیمه و مصوبات شورای عالی بیمه، همگی در تائید پابرجا بودن این قاعده در کلیه عقود بیمه است. ضمن این که این قاعده باهدف حمایت از بیمه گران و اشخاص فعال در این صنعت، جهت جلوگیری از ضررهای مالی یا احياناً ورشکستگی وضع گردیده است. نتیجتاً، بنا به مراتب فوق، حکم کلی مرور زمان مصرح در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، در خصوص کلیه قراردادهای بیمه معتبر بوده و به قوت خود باقی است مگر این که توسط قوانین خاص لاحق در رشته‌های خاص بیمه‌ای من جمله بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه نسخ صریح یا ضمنی شده باشد.

مبحث پانزدهم: تحلیل اقتصادی مرور زمان در حوزه‌ی حقوق مدنی

حقوق مدنی را می‌توان به سه شاخه اموال و مالکیت، قراردادهای و نهایتاً مسئولیت مدنی تقسیم کرد.

گفتار اول: اموال و مالکیت

کوتر که از مشاهیر تحلیل اقتصادی حقوق محسوب می‌شود، حقوق اموال و مالکیت را بنیادی‌ترین جزء تحلیل اقتصادی حقوق می‌داند.

به تبع آن، تحلیل اقتصادی حقوق در باب مرور زمان، در بحث اموال و مالکیت هم جایگاه ویژه پیدا می‌کند. برای روشن شدن مطلب باید یادآوری کرد که در فلسفه حقوق در غرب و حتی می‌توان گفت در فلسفه محض در غرب بعد از هایدگر نوعی لادری گری در مبانی فلسفی ایجاد شده است به‌طوری که

وجود اصول بنیادی و ثابت انکار می‌شود. بنابراین، این فلسفه، فرصت مناسبی برای هر مکتب و مسلک ایجاد کرده است تا برای مباحث مهمی چون فلسفه مالکیت، تفسیری خاص ارائه دهند. به همین دلیل، تحلیل گران اقتصادی حقوق برای حمایت ویژه از مالکیت، به جای متصل کردن فلسفه مالکیت به مباحث (از دید فلسفه غرب) قابل تردیدی چون عدالت و حقوق بنیادی، سعی در ارائه توجیه از مالکیت و لزوم حمایت از آن برآمده‌اند و آن ایجاد توجیه اقتصادی است.

یکی از مثال‌های مشهور، داستان باغداری است که در یک دوران فرضی زندگی می‌کند که هنوز مالکیت به رسمیت شناخته نشده است. او پس از زحماتی که برای به بار نشستن محصولات خود می‌کشد، قبل از برداشت، محصولات خود را به یغما رفته می‌بیند. او سارقان را می‌شناسد اما قادر نیست از مستمسکی برای بازگرداندن اموال خود استفاده کند چرا که هنوز مفهومی به نام به رسمیت شناخته نشده است. نهایتاً، باغبان بی‌انگیزه شده و دیگر کشت نمی‌کند و «مالکیت» کارایی پایین می‌آید. این مثال، بنیادی‌ترین سازه هرم تفکر تحلیل اقتصادی اموال و مالکیت است.

تحلیل گران اقتصادی حقوق، در ادامه، مثال‌ها و مسائل پیچیده‌تری را در شناسایی مالکان، نحوه توزیع ثروت و نحوه حل اختلاف میان مدعیان مالکیت و... مطرح می‌کنند.

هدف از بیان این مقدمه، طرح این سؤال مهم است که باوجود تلاش‌های تحلیل گران اقتصادی حقوق در توجیه مفهوم مالکیت و لزوم احترام به آن، آیا وجود مرور زمان (چه مرور زمان تملک و چه مسقط) معنا پیدا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که اگر فلسفه مالکیت، کارایی اقتصادی باشد، می‌توان شخصی را که قبلاً مالک دانسته می‌شد، از مالکیت محروم و مال را به شخص دیگری که لایق‌تر است سپرد. بنابراین، نه تنها مرور زمان با مبانی فلسفی مالکیت (از دید تحلیل گران اقتصادی حقوق) مغایرت ندارد، بلکه همسو با این دیدگاه است.

به نظر می‌رسد که این دیدگاه تا حدودی با مبانی اسلامی حقوق ایران هم سازگار است به این معنا که طبق مبانی حقوق ایران، مالک همه اموال، خداوند متعال است که با رحمت خویش این اموال را در اختیار بشر گذاشته است تا از آن بهره‌برداری کند. بنابراین مالکیت اشخاص بر اموال، امری عرضی است. لذا گسستن علقه او از مال عجیب نخواهد بود به خصوص آنکه مخصوصاً در چندین حدیث معتبر، این امر (حتی به صورت تعیین مقدار مدت مرور زمان) به رسمیت شناخته شده است و در بیان علت امکان سلب

مالکیت، به ودیعه بودن اموال نزد انسان‌ها و کارایی اشاره شده است. گذشته از این، دلایل مثبت دیگری چون حکم حکومتی و مبانی مربوط به مصلحت نظام نیز در این مورد وجود دارد.

وجود مرور زمان در زمینه اموال و مالکیت، از دیدگاه پارتو، ناکارآمد می‌نماید چرا که همان‌طور که قبلاً ذکر شد، او قاعده و قانونی را که به منافع حتی یک شخص ضربه می‌زند، کارا نمی‌داند. در این مسئله نیز علی‌رغم منتفع شدن افراد بسیار بیشتری از جامعه، (به دلیل وجود مالکی که با ایراد مرور زمان مواجه شده و در نتیجه زیان می‌بیند) مرور زمان، ناکارآمد تلقی می‌شود. از دیدگاه کالدور-هیکس هم این قاعده ناکارآمد تلقی می‌شود چون نه دولت و نه مالک جدید، به‌طور مستقیم، حق سلب شده او را جبران نمی‌کند. برعکس مطابق دیدگاه پازنز که از سردمداران مکتب افزایش ثروت محسوب می‌شود، به دلیل بالا رفتن میزان تولید و در نتیجه منتفع شدن مجموع جامعه، قاعده کاملاً کاراست.

مرور زمان‌های کوتاه به بهانه کارایی، تشویش و اضطراب ایجاد می‌کند و در نتیجه خود باعث کاهش کارایی می‌شود. لذا بهتر است در مورد املاک، مرور زمان بالای ده سال و برای اموال منقول، این عدد بالای چهار سال باشد. هرچند برای تعیین این عدد باید در این مورد آمار دقیقی از رویه‌های قضایی و میزان استناد به مرور زمان و همچنین نحوه اداره اموال توسط مالکین و.... به دست آورد.

به نظر می‌رسد که به تبع قوانین کشورهای پیشرو در باب مرور زمان و همچنین به طریق قانون گذاری قدیم در ایران بهتر است که برای مرور زمان عادی، یک مقطع زمانی به عنوان قاعده عمومی و برای سایر موارد، مرور زمان‌های استثنایی در نظر گرفته شود. این روش به حقوقدانان و بالأخص قضات از باب صرفه جویی در وقت و آشنایی و استناد به مستندات قانونی کمک می‌کند و موجب کارایی خواهد شد. رابطه شرایط حصول مرور زمان مدنی (در باب اموال و مالکیت) با کارایی چیست؟ عجین است. از این جهت هر آنچه موجب ایجاد تردید، تشویش، اضطراب، بی‌نظمی، کاهش رفاه و گسترش بی‌عدالتی و انصاف شود، مخالف کارایی به حساب می‌آید و باید راه‌حلی را برگزید که ترکیبی از حداقل این امور ضد کارآمد را داشته باشد. به این دلیل، باید مرور زمان را با شرایطی پذیرفت. یکی از این شرایط، تصرف مالکانه متصرف است

این شرط از آن جهت که مالک اصلی را از بیم مالک شدن مستأجر، مستعیر و... در امان می‌دارد، کارآمد است. به همین دلیل، شرط مسالمت‌آمیز بودن تصرفات و شرط آشکار بودن تصرفات، کاراست. همچنین

شرط مستمر بودن تصرف کاراست. چون کسانی را که قصد استناد به مرور زمان دارند، وامی دارد تا به بهره‌برداری مستمر بپردازند.^{۱۴}

گفتار دوم: مرور زمان اجرایی و توضیح ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی

ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی مقرر داشته است: هرگاه از تاریخ صدور اجرائیه بیش از پنج سال گذشته و محکوم‌له عملیات اجرائی را تعقیب نکرده باشد، اجرائیه بلاثر تلقی می‌شود. در این مورد اگر حق اجرا وصول نشده باشد، دیگر قابل وصول نخواهد بود. محکوم‌له می‌تواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجرائیه نماید، ولی در مورد اجرای هر حکم فقط یک‌بار حق اجرا دریافت می‌شود.

مرور زمان اجرایی نسبت به احکام و قرارهای قابل اجرا و اسناد رسمی لازم‌الاجراء گفته می‌شود. در مورد احکام و قرارها مرور زمان علی‌الاصول جاری نمی‌شود، جز موارد استثنائی و مصرح در قانون. در مورد اجرائیه اسناد رسمی نیز مرور زمان جاری نمی‌شود.

بنابراین می‌توان گفت ماده ۱۶۸ نوعی مرور زمان را بیان می‌کند که نتیجه آن بلاثر شدن اجرائیه است. بر اساس این ماده با گذشت پنج سال از تاریخ صدور، اجرائیه بلاثر و کان‌لم‌یکن تلقی می‌گردد، به شرط آنکه محکوم‌له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد. در این خصوص باید گفت در هیچ‌یک از مواد قانون اجرای احکام مدنی، محکوم‌له مکلف به تعقیب عملیات اجرایی نشده است تا اگر چنین ترک فعلی را انجام دهد، نتیجه آن بلاثر شدن اجرائیه باشد. بلکه تعقیب عملیات اجرایی به نفع محکوم‌له، از وظایف مأمور اجرا محسوب شده است.

مطابق ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی بلاثر تلقی گردیدن اجرائیه مستلزم صدور دستور خاصی از طرف دادگاه نیست. به عبارت دیگر به شرط گذشت پنج سال و عدم تعقیب عملیات اجرایی توسط محکوم‌له، اجرائیه قهراً بلاثر و عملیات اجرایی متوقف می‌ماند. رویه موجود در این خصوص آن است که دایره اجرا پرونده را بایگانی می‌کند و چنان چه پس از پنج سال محکوم‌له مراجعه نماید، پرونده اجرایی به دادگاه صادرکننده اجرائیه اولیه ارسال می‌شود تا حسب تقاضای محکوم‌له مجدداً اجرائیه صادر گردد.

در رابطه با تأثیر مرور زمان نسبت به شخص معسر در قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ حکمی نیامده است. ولی در قانون سابق در ماده ۳۶۲ لایحه قانونی اجرای احکام، مصوب ۱۳۱۹ آمده بود که: مرور زمان مذکور در دو ماده فوق (مواد ۳۶۰ و ۳۶۱) نسبت به معسر از تاریخ تمکن او جاری می‌شود. هم‌چنین در نظریه شماره ۷/۱۰۹۴ تاریخ ۶/۳/۶۳ اداره حقوقی دادگستری در پاسخ این سؤال که آیا اجرائیه‌هایی که محکوم‌له عملیات اجرائی را تعقیب نمی‌کند، مشمول مرور زمان می‌شود یا نه؟ چنین آمده

^{۱۴} تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۰۶.

است: اولاً در صورت صدور حکم مدنی و قطعیت آن اگر محکوم‌له درخواست صدور اجرائیه نموده باشد و اجرائیه صادر شده باشد. به‌صراحت مفاد ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، هرگاه از تاریخ صدور اجرائیه بیش از ۵ سال گذشته و محکوم‌له می‌تواند مجدداً درخواست صدور اجرائیه نماید. ثانیاً احکام مدنی به‌موجب ماده ۳۴ قانون اعسار، مصوب ۱۳۲۳ و مستفاد از ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۵۶، اصولاً مشمول مرور زمان نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون صراحتاً تعیین تکلیف کرده باشد. مانند مقررات ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶.

همان‌طور که بیان شد مرور زمان به علت این که مخالف قواعد موجد حق است و جنبه استثنایی بر آن قواعد را دارد. در صورت شک در سعه و ضیق مقررات مرور زمان باید از این مقررات تفسیر مضیق کرد. لذا در امور مربوط به حقوق خانوادگی مرور زمان اثر ندارد.

تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ در ارتباط با امور خانوادگی چنین مقرر داشته است که: در مورد وجوهی که به حکم دادگاه باید ماهانه و مستمراً از محکوم‌علیه وصول شود، یک‌بار تقاضای صدور اجرائیه کافی است و مأمورین اجرا مکلف‌اند عملیات اجرایی را مادام که دستور دیگری از دادگاه صادر نشده است، ادامه دهند.

بعضی از حقوق‌دانان در مقایسه بین این تبصره و ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی بیان داشته‌اند که بین این دو تعارضی وجود ندارد. زیرا تبصره ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده برای مطالبات مستمر و آینده حلول اجل را لازمه صدور اجرائیه مجدد ندانسته و همان اجرائیه اولیه برای استیفای مطالبات بعد از صدور اجرائیه که مستمراً باید وصول شود، نیز کافی است. اما این که عمر مفید اجرائیه صادره در صورت عدم تعقیب محکوم‌له چه مدت است. این تبصره پاسخی نمی‌دهد، اما ماده ۱۶۸ قانون اجرای احکام مدنی راهکار لازم را داده و لذا بین این دو ماده تعارضی وجود نداده است. آنچه تأییدکننده این استدلال است ماده ۱۵ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص اصلاحی ۱۳۵۹/۲/۲۴ است که مقرر داشته که: مادامی که برای اجرای احکام این دادگاه‌ها قانون جداگانه‌ای تصویب نشده، اجرای احکام آن‌ها طبق مقررات اجرای احکام مدنی با دوایر اجرای احکام دادگاه‌های عمومی دادگستری است.^{۱۵}

^{۱۵} جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۳۹ و مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، تهران، نشر فکرسازان،

مبحث شانزدهم: مدت‌های مرور زمان

گفتار اول: مرور زمان فوری

مرور زمان فوری در قوانین ایران فقط در مورد خیار مجلس است که به موجب ماده ۳۹۷ مدنی متباین فی‌المجلس حق فسخ دارند.

گفتار دوم: مرور زمان سه‌روزه

خیار حیوان به موجب ماده ۳۹۸ قانون مدنی سه روز است و مشتری از حین عقد تا سه روز حق فسخ دارد.

۳- مرور زمان یک‌ساله

بند ۱- به موجب ماده ۷ آئین‌نامه قانون استخدام کشوری مدت مرور زمان در مورد تقصیرات اداری یک سال است.

بند ۲- به موجب ماده ۴۷ قانون پستی حقوق مربوطه به مرسولات داخله بداخله در مدت یک سال از روز تحویل امانات و مرسولات به پستخانه آن حقوق باید مطالبه شود و پس از انقضاء مدت یک سال صاحبان حق، حق مطالبه نخواهند داشت.

بند ۳- طبق ماده ۳۹۳ قانون تجارت دعوی خسارت علیه متصدیان حمل و نقل مرور زمانش یک سال است ولی حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این ماده نیست.

بند ۴- دعاوی راجع به قیمت یا حقی که به موجب عرف و عادت فوراً یا در مدت کمی پرداخت می‌گردد از قبیل قیمت خوراک و منزل در مهمانخانه یا اماکن معد برای سکنی و ماکولات و حق الزحمه طبیب و کارشناس و امثال آن طبق ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم.

بند ۵- در دعوی کسبه و بازرگان نسبت به قیمت چیزی که از آن‌ها خریده می‌شود و برحسب عرف و عادت در مدت کمی پرداخت می‌گردد در صورتی که مشتری بازرگان نبوده یا معامله بازرگانی نباشد طبق ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم.

بند ۶- دعاوی راجع به حقوقی که به اقساط ماهیانه یا کمتر از یک ماه تأدیه می‌شود مثل اجرت تعلیم و تدریس و هزینه نگهداری و ترتیب اطفال و اجرت اهل حرفه و هنرپیشه و نوکر و خدمه که به نحو ماهیانه یا کمتر مقرر شده نسبت به هر یک از اقساط بر طبق ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم.

بند ۷- دعاوی هر یک از طرفین معامله و قائم مقام آن‌ها راجع به فسخ یا بطلان معاملات و تعهدات و تقسیم بر طبق ماده ۷۴۰ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم راجع به کلیه امور خلافی مرور زمان از تاریخ ارتکاب جرم یک سال است بر طبق ماده ۵۱ قانون کیفر همگانی.

گفتار چهارم: مرور زمان دوساله

به موجب ماده ۳۱ قانون استخدام قضات مصوب بهمن ۱۳۰۷ مدت مرور زمان برای تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف تا آخرین اقدام تعقیبی قانونی دو سال است.

بند ۲- به موجب ماده ۵۴ قانون وکالت مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی وکلا دو سال است.

بند ۳- به موجب ماده ۲۳ قانون کارشناسان مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۷ مرور زمان نسبت به تعقیب انتظامی کارشناسان دو سال است.

بند ۴- به موجب ماده ۴۴ قانون سردفتران مورخ ۱۵ خردادماه ۱۳۱۶ مدت مرور زمان تعقیب انتظامی و تخلفات سردفتران و دفتر یاران دو سال است.

گفتار پنجم: مرور زمان سه ساله

بند ۱- دعوی وکیل بر موکل نسبت به حق الوکاله و هزینه محاکمه که از طرف موکل پرداخته است بر طبق ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم.

بند ۲- دعوی بر مستخدمین دولت و وکلا راجع به برگ‌ها و اسنادی که به آن‌ها داده شده بر طبق ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی

بند ۳- دعوی بر معمار و هنرپیشه راجع به عیبی که در عمل آن‌ها پیدا شده است بر طبق ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی

بند ۴- حق اشتراک مجلات و جراید و امثال آنکه سالیانه یا به اقساط زیادتر از یک ماه پرداخته می‌شود بر طبق ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی.

بند ۵- دعاوی راجع به خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه و خسارات ناشیه از اجرای احکام بر طبق ماده ۷۳۹ قانون این دادرسی مدنی.

بند ۶- بر طبق ماده ۲۳ قانون مالیات بر درآمد مصوب تیرماه ۱۳۲۸ دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مدت مرور زمان دعاوی اداره مالیات بر درآمد نسبت به مودیان سه سال است.

بند ۷- به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت علائم و اختراعات هرگاه کسی که نسبت به پیت های راجعه به علامتی از تاریخ ثبت تا سه سال اعتراض نکرده باشد دیگر نمی‌تواند نسبت به ثبت آن اعتراض نماید.

بند ۸- به موجب ماده ۵۱ قانون کیفر همگانی مرور زمان کلیه جنحه ها از تاریخ ارتکاب و یا آخرین تعقیب سه سال خواهد بود.

گفتار ششم: مرور زمان پنج ساله

بند ۱- دعاوی مراجعه به برات و سفته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتي صادر شده باشد پس از انقضاء پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم به موجب ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ که از قوانین موقتی و آزمایشی و مصوب کمیسیون دادگستری است مسموع نخواهد بود.

مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مدت مهلت اعتراض شروع می شود.

بند ۲- به موجب ماده ۲۱۹ قانون تجارت مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکا یا وراث آن ها راجع به معاملات شرکت در مواردی که قانون شرکا یا وراث آن ها را مسئول قرار داده پنج سال است. تبصره: دعوائی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه تری بوده و یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده است از مقررات این ماده مستثنا است.

به موجب تبصره ماده ۴۱۶ قانون دادرسی کیفری ارتش بزه های مربوطه به تقلب در امور نظام وظیفه که از اول فروردین ماه ۱۳۱۸ به بعد واقع شده باشد تا پنج از تاریخ ارتکاب قابل تعقیب خواهند بود.

گفتار هفتم: مرور زمان ده ساله

بند ۱- در دعاوی راجعه به اموال اعم از منقول و غیر منقول و حقوق و دیون و منافع و محصول و اسباب تملک و ضمان و دعاوی دیگر مدت مرور زمان ده سال است بر طبق ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم

بند ۲- بر طبق ماده ۳۳۵ قانون امور حسبی مورخ ۲ تیرماه ۱۳۱۹ اگر از تاریخ تحریر تر که تا ده سال وراث متوفی معلوم شود تر که به او داده می شود و پس از گذشتن مدت نامبرده باقی مانده تر که خزانه دولت تسلیم می شود و ادعای حقی نسبت به تر که از کسی بهر عنوان که باشد پذیرفته نخواهد بود.

بند ۳- بر طبق ماده ۷۰۶ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم اگر تا ده سال از تاریخ صدور حکم اعسار معسر متمکن نگردد هزینه که از پرداخت آن موقتاً معاف بوده از او مطالبه نخواهد شد.

بند ۴- به موجب ماده ۲ از قانون راجع به دعاوی بین اشخاص دولت مصوب ۱۳ آبان ۱۳۰۹ اموال غیر منقول اشخاصی که دولت در نتیجه ترمد و یاغیگری آن ها آن اموال را از تصرفشان خارج یا ضبط نموده

یا بنماید و در ظرف ده سال از تصویب این قانون در مورد املاکی که قبل از تصویب این قانون به تصرف دولت درآمده و ده بعد از تاریخ تصرف در مورد اموالی که بعد از تصویب این قانون به تصرف دولت دربیاید کلاً یا بعضاً از طرف هیئت وزرا به صاحبان آنها واگذار نشود جزء املاک خالصه محسوب و به ملکیت قطعی دولت شناخته خواهد شد.

بند ۵- به موجب ماده ۵۱ از قانون مجازات عمومی هرگاه کسی مرتکب جنایت بشود و در ظرف ده سال جرم او از تاریخ ارتکاب و یا آخرین اقدام تعقیب نشود دیگر تعقیب از مجرم نخواهد شد.

گفتار هشتم: مرور زمان بیست ساله

بند ۱- در دعاوی مالکیت یا وقفیت نسبت به عین فیر منقول مدت مرور زمان بیست سال است بر طبق ماده ۷۳۸ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم.

گفتار نهم: مرور زمان بیست و پنج ساله

بند ۱- به موجب ماده ۳ از قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ مدت مرور زمان در دعاوی دولت نسبت به اموال غیر منقول و در دعاوی افراد نسبت به اموال غیر منقول دولت بیست و پنج سال شمسی است.

مبحث هفدهم: مرور زمان در مطالبه خسارت‌های ناشی از حمل و نقل هوایی و در سایر قوانین

مرور زمان ماهیتی قضایی و اثباتی دارد؛ به معنای این است که برای اجرا و مطالبه حق از محاکم قضایی محدودیت زمانی مقرر شود تا اگر در آن مهلت اقامه دعوا نشد دیگر دعوایی استماع و شنیده نشود. دعوا زمانی ایجاد می‌شود که ذینفع حق نتواند در برابر متعهد به طریق مسالمت آمیز به حق خود برسد و ناچار شود به دادگاه مراجعه کند و این مراجعه محدود به زمان خاصی می‌شود که بدان مرور زمان گفته می‌شود. اگرچه اقامه دعوا در دادگاه ناظر به مرحله اثبات حق است؛ اما مرور زمان باعث می‌شود که این حق زایل شده و در مرحله ثبوت و ایجاد حق نیز تاثیرگذار خواهد بود.

حمل و نقل هوایی طبیعی قراردادی دارد که طی آن متصدی حمل و نقل با طرف مقابل توافق می‌کند تا انسان یا اموال منقول را از یک مکان مشخص به مکان مشخص دیگری به وسیله هواپیما جابجا کند و زمانی این کار انجام می‌پذیرد که جابجایی در محل مورد نظر پایان یافته باشد. این توافق تعهد بر انجام کار معین است و ارتباطی به اجاره یا وکالت ندارد. حمل و نقل هوایی می‌تواند موجب ایجاد خسارت‌های بدنی و خسارت‌های مالی شود. خسارت‌های بدنی شامل فوت و نقص عضو و نقص منافع اعضای بدن انسان می‌شود

و خسارت‌های مالی به تلف و مفقود شدن و معیوب شدن اموال مادی منقول اختصاص می‌یابد. این خسارت‌ها باید در اثر حادثه یا سانحه هوایی ایجاد شوند که این حادثه باید تصادفی، غیرقابل انتظار و غیر برنامه‌ریزی شده باشد و در هر حال خسارات ناشی از بیماری درونی را شامل نمی‌شود. کنوانسیون ورشو در سال ۱۹۲۹ میلادی منعقد شد و ایران در سال ۱۳۵۴ شمسی بدان ملحق شد.

در این کنوانسیون برای متصدی حمل و نقل هوایی فرض مسئولیت پیش‌بینی شده است مگر اینکه وی بتواند اثبات نماید که کلیه تدابیر لازم را جهت پیشگیری از وقوع خسارت انجام داده است یا اینکه اساساً توانایی انجام این تدابیر را به دلیل نحوه وقوع خسارت نداشته است. در کنوانسیون مونترال که در سال ۱۹۹۹ میلادی تصویب شد فرض مسئولیت به مسئولیت مطلق تغییر یافت و متصدی حمل و نقل در هر صورت مسئول خسارت‌های وارده است.

در کنوانسیون ورشو و مونترال برای مطالبه خسارت مرور زمان دوساله در نظر گرفته شده است که اگر در این زمان خسارت مطالبه نشود حق مطالبه آن از بین خواهد رفت. در سال ۱۳۹۱ قانون تعیین حدود مسئولیت شرکت‌های هواپیمایی به تصویب رسید که موجب ایجاد ابهامات و تعارض‌هایی گردید.

این قانون بین پروازهای داخلی و پروازهای بین‌المللی تفاوت ایجاد کرد. در پروازهای داخلی به زیان‌دیده در خسارت‌های بدنی، فقط حق مطالبه دیه مطابق قانون مجازات اسلامی را اعطا نمود یعنی مسئولیت قراردادی متصدی حمل و نقل را به مسئولیت غیر قراردادی تبدیل نمود و دیه به عنوان مقدار مقطوع خسارت را تعیین نمود حتی اگر زیان‌دیده خارجی باشد که در نتیجه در این صورت، مسئولیت مطلق است. اما در پروازهای بین‌المللی به کنوانسیون ورشو احاله داده که در این صورت، متصدی حمل و نقل مسئول فرض شده مگر اینکه اجرای تدابیر لازم را اثبات نماید؛ حتی اگر زیان‌دیده ایرانی باشد. در مورد خسارت‌های مالی نیز فرقی بین پرواز داخلی و بین‌المللی نیست و در هر حال به کنوانسیون ورشو احاله داده است که در این صورت با حکم ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تعارض دارد زیرا این ماده مبنای مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران را استناد عرفی خسارت به مسئول قرار داده است؛ اگرچه همه تدابیر لازم اندیشیده شده باشد. اما در کنوانسیون ورشو فرض مسئولیت پیش‌بینی شده و با اثبات انجام تدابیر لازم این فرض از اثر می‌افتد. این تعارض باعث می‌شود که تکلیف مرور زمان نیز روشن نباشد زیرا در پرواز بین‌المللی مرور زمان خسارت جاری می‌شود ولی در پرواز داخلی مرور زمان خسارت جاری نمی‌شود. راهکار این است که چون ایران در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۹۴ کنوانسیون ورشو و اصلاحات آن را پذیرفته است در نتیجه این کنوانسیون مطابق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون عادی است؛ به علاوه ماهیت معاهده‌های کنوانسیون اجازه نمی‌دهد تا یک طرف آن در قوانین داخلی خود حکمی خلاف توافق خود با دیگر کشورها مقرر سازد. نتیجه این خواهد بود که مرور زمانی که در کنوانسیون ورشو پذیرفته شده است

در حقوق ایران جاری بوده و نباید فرقی بین پروازهای داخلی و بین‌المللی قائل شد. در کنوانسیون مونترال مسئولیت مطلق به همراه مرور زمان پیش‌بینی شده است که الحاق ایران به این کنوانسیون می‌تواند تعارض‌های موجود را از بین ببرد زیرا کنوانسیون مونترال برای انسجام در مقررات حمل و نقل هوایی تدوین شده است.^{۱۶}

گفتار اول: مرور زمان در قانون اعسار

ماده ۳۴ قانون اعسار مقرر می‌دارد: «در هر موقع که معسر به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تأدیه آن است، نسبت به ورقه اجرائیه که علیه معسر صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن ده سال است.»^{۱۷}

گفتار دوم: مرور زمان در قانون بیمه

ماده ۳۶ قانون بیمه مقرر می‌دارد: مرور زمان دعاوی ناشی از بیمه دو سال است و ابتدای آن از تاریخ وقوع حادثه منشأ دعوا خواهد بود.

در قراردادهای بیمه معمولاً دعاوی پس از ۲ سال مشمول مرور زمان می‌شدند.

البته مرور زمان را فقط یک‌بار می‌تواند قطع کرد و کسی که مرور زمان به نفع او است باید در موقع طرح دعوی علیه وی ایراد مرور زمان کند. نکته‌ای که در تحلیل ماده فوق توسط برخی از شرکت‌های بیمه قابل توجه است و از مشکلات بیمه‌گذاران است بحث مبدأ مرور زمان در شرایطی است که حادثه‌ای رخ داده باشد ولی تا مدت دو سال زیان‌دیده طرح دعوی علیه بیمه‌گذار نکرده است و در صورت طرح دعوی علیه بیمه‌گذار توسط زیان‌دیده بعد از سپری شدن دوساله و محکومیت بیمه‌گذار به پرداخت خسارت وارده، به شرکت‌های بیمه، بیمه‌گر با استناد به قسمت دوم این ماده که مبدأ مرور زمان را از تاریخ حادثه در نظر گرفته از پرداخت خسارت به بیمه‌گذار خودداری می‌کنند و این امر موجب تناقض در عدم جریان و جاری بودن مرور زمان در یک موضوع باشد و نمونه یکی از این دعاوی، پرونده مطروحه به کلاسه ۹۴۰۰۲۹ در شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی چار اویماق است.

گفتار سوم: مرور زمان در قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹

ماده ۱۲۰ قانون دریایی ایران مقرر می‌دارد:

^{۱۶} حمدی، حسین؛ حسینی، سید محمدصادق؛ حسینی، سیده الهه؛ مطالعه تطبیقی جایگاه مرور زمان در مطالبه خسارت در حمل و نقل هوایی، فصلنامه پژوهشی حمل و نقل، تابستان ۹۸ و جبّاری، محمد، حمل و نقل هوایی، تهران: نشر میزان، سال ۱۳۹۰. و کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول

^{۱۷} جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، ج اول ۱۳۵۷

۱- در موردی که به مسافر صدمات بدنی وارد شود باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ پیاده شدن اخطار کتبی به متصدی حمل دایر به وقوع صدمات بدنی تسلیم نمایند. در غیر این صورت فرض این است که مسافر سالم پیاده شده است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۲- دعاوی جبران خسارت ناشیه از فوت و صدمات بدنی به مسافر پس از دو سال مشمول مرور زمان می گردد.

۳- مرور زمان در دعاوی مربوط به صدمات بدنی از روز پیاده شدن مسافر از کشتی شروع می شود.

۴- در مورد فوتی که ضمن سفر پیش می آید مرور زمان از زمانی که مسافر بایستی از کشتی پیاده می شد شروع می شود

۵- در صورتی که صدمات بدنی در طی سفر ایجاد شده و پس از پیاده شدن مسافر منجر به فوت او گردد مرور زمان از تاریخ فوت وی محاسبه می شود مشروط بر اینکه از تاریخ پیاده شدن تا فوت مسافر بیش از سه سال نگذشته باشد^{۱۸}

^{۱۸} واحدی، قدرت الله، این دادرسی مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۳. و سرشار، محمود، مرور زمان، مجله کانون وکلا، ۱۳۲۹. و شریفی، مجتبی،

ضرورت احیای مرور زمان در قانون، نشریه ماهنامه دادنامه، ۱۳۸۲

فصل دوم

جایگاه مرور زمان در اسلام

درآمد:

موضوع مطرح در این فصل در خصوص روایات و قواعد فقهی مطرح در بحث مرور زمان میباشد. صحت برخی از روایات اثبات و برخی دیگر مردود دانسته شده است. در بحث قواعد فقهی مطرح در حوزه مرور زمان نیز برخی قواعد همچون قاعده اعراض و.. صراحتاً مرور زمان را پذیرفته و برخی دیگر همچون قاعده ید مواردی در تعارض با آن بیان نموده اند. و همچنین در خصوص مشروعیت مرور زمان نیز طرفداران و مخالفان این موضوع نظریات و ادله خود را مطرح نموده اند.

مبحث اول: مرور زمان مدنی در فقه اسلامی

گفتار اول: در خصوص روایات

برخی از فقیهان یا حقوقدانان اهل سنت له یا علیه مرور زمان تمسک جسته‌اند و روایات مذکور در منابع امامی به قرار زیر است:

بند اول

امام کاظم علیه السلام: زمین از آن خداوند است که آن را وقف روزی بندگان قرار داده است بنابراین هرگاه کسی زمینی را به مدت سه سال متوالی بدون دلیل بلااستفاده بگذارد زمین مذکور از دست او گرفته شده و به دیگری داده می‌شود. و اگر کسی مطالبه حق خویش را به مدت ده سال ترک نماید دیگر حق ای نخواهد داشت.

بند دوم

امام صادق علیه السلام: کسی که زمینی از او گرفته شود و سه سال از مطالبه آن خودداری کند پس از گذشت سه سال مطالبه آن برای او جایز نیست.

بند سوم

مرحوم شیخ حر عاملی به دنبال نقد این دو روایت می‌گوید شاید این روایت و روایت قبل از آن به موردی اختصاص داشته باشد که زمین پس از آن که در ابتدا احیاء و آباد شده بود دوباره مخروبه گردد همچنین شاید واژه حق در آخر حدیث اول به حق متعلق به زمینی که در آن درخت کاشته شده و سپس به

حال خود رهاشده تا درخت‌ها از بین رفته و زمین مخروبه گشته است اختصاص داشته باشد. چراکه زمین درختکاری شده به‌طور متعارف جز با گذشت ۱۰ سال و امثال آن مخروبه نمی‌شود

بند چهارم

امیرالمؤمنین علیه‌السلام: حق جدید است اگرچه ایام طولانی بر آن گذشته باشد و باطل خوار و ذلیل است اگرچه اقوام متعددی آن را یاری کنند.

بند پنجم

روایت مرحوم صدوق: هرکس خانه‌ای یا ملکی یا زمینی را در دست دیگری رها کند بدون اینکه تا ۱۰ سال در این باره حرفی بزند و درخواست بکند و دعوا و شکایتی را مطرح کند پس از آن حقی نخواهد داشت.^{۱۹}

بند ششم

علی بن مهزیار می‌گوید: از ابو جعفر امام جواد علیه‌السلام درباره خانه‌ای پرسیدم که متعلق به زنی بود که یک پسر و یک دختر داشت پسرش در دریا مفقود شد و خود زن نیز فوت کرد پس از آن دخترش مدعی شد که مادرش این خانه را به او داده بود و دختر قسمت‌هایی از این خانه را فروخته و تنها یک قسمت از آن در کنار منزل یکی از اصحاب ما باقی مانده است و به دلیل غایب بودن فرزند پسر و اینکه از او خبری در دست نیست و بیم این که مبدا خریدن قسمت مذکور برای حلال و مجاز نباشد نسبت به خرید آن کراهت دارد. امام علیه‌السلام در جواب به من فرمود از چه زمانی مفقود شده است؟ پاسخ دادن از سال‌های زیادی بعد امام فرمود تا ده سال منتظر او بماند و بعد از آن بخرد سپس پرسیدم آیا پس از ۱۰ سال انتظار آمدن او را کشید خریدن آن قسمت برای او حلال است؟ امام پاسخ داد: آری.^{۲۰}

گفتار دوم: سند احادیث

شیخ حر عاملی، شیخ صدوق، محقق بحرانی، سید محمدحسن موسوی بجنوردی، و صاحب جامع الاحادیث الشیعه به‌طور صریح یا ضمنی، صحت سند این احادیث را تأیید کرده‌اند.

^{۱۹} حر عاملی، کلینی، طوسی ۲۳۲/۱۳۹۰، حر عاملی، طوسی، ۲۳۲/۷.

^{۲۰} ابن بابویه، ص ۱۲۳، بحرانی، ۲۰۸/۲۰، بجنوردی، ۱۴۱۹/۷، ۲۳۰.

شهید اول علامه مجلسی و علامه حلی صحت و اعتبار اسناد این احادیث را مخدوش دانستند. در مجموع سند روایت اول معتبر و قابل قبول است. افزون بر آن روایت دوم و روایت علی بن مهزیار که به سند شیخ معتبرند مؤید آن خواهند بود و به این ترتیب نسبت به اصل سرور این مضمون از معصوم علیه السلام می توان اطمینان حاصل کرد. بدیهی است هرگاه اعتبار سند این روایت پذیرفته نشود تنها اصول و قواعد فقهی تعیین کننده خواهد بود.^{۲۱}

مبحث دوم: اصول و قواعد فقهی

در صورتی که به هر دلیلی دلالت ادله خاص پیش گفته مورد قبول واقع نشود تنها اصول و قواعد فقهی عام تعیین کننده خواهد بود. عمده ترین اصولی که به این منظور قابل استناد هستند به قرار زیر است:^{۲۲}

گفتار اول

قاعده اعراض: اساس مرور زمان را می توان بر اعراض صاحب حق از حق خود مبتنی ساخت زیرا اگر کسی خود را مالک حقیقی عین غیر منقول بداند و نسبت به آن به مدت ۲۰ یا ۴۰ سال که به موجب قانون تعیین شده است، علیه متصرف آن اقامه دعوا نکند آیا این سکوت و احتمال مدعی حق با وجود علم به حقیقتش نباید کاشف نوعی از این باشد که اگر واقعاً هم حقی داشته از آن اعراض کرده و اراده اعراض داشته است و در مقابل آیا نباید تصور کرد که متصرف ۲۰ یا ۴۰ ساله مالک واقعی بوده یا در مقابل اعراض مالک واقعی مورد ادعا را به حیات مالک شده است؟

در این باره دو دیدگاه وجود دارد:

بند اول:

گروهی از آن ها اعراض را مفید زبان مالکیت می دانند

بند دوم:

عده ای دیگر آن را صرفاً مفید اباحه تصرف می پندارند.

^{۲۱} شهید اول ۳۱۴، ۱۴۱۲، مجلسی، ۱۳۶۳

^{۲۲} نوری، ۱۱۹، ۱۴۱۵/۱۷

از جمله شهید ثانی تصریح می‌کند اگر قرائن و شواهد بر اعراض دلالت کند دیگران می‌توانند مال را تملک کند صاحب ریاض در همان مسئله و برخی مسائل دیگر ظاهراً اعراض را موجب زوال مالکیت نمی‌داند.

گفتار دوم: قاعده اسقاط و ابرا

می‌توان به منظور اثبات زوال رابطه مالکیت میان مالک سابق و مال یا حق به قاعده اسقاط و ابرا توسل جست. یعنی آنچه گذشت زمان معین و عدم مطالبه مال یا حق از سوی مالک و ذی حق باوجود اطلاع از حقش اماره اسقاط حق و اراده مالک مبنی بر ابراء ذمه مجاز قلمداد گردد استدلال به این قاعده در صورتی حتمیت پیدا می‌کند که حوزه کارکرد قاعده اعراض به اموال و حقوق عینی محدود گردد. در خصوص تطبیق قاعده مذکور بر قاعده مرور زمان و مصداق بودن آن برای قاعده اسقاط به نظر می‌رسد همچنان که گذشت، زمان معین از منشأ حق مطالبه حق و عدم مطالبه آن در این مدت باوجود سایر شرایط مرور زمان می‌تواند اماره اعراض مالک ارزیابی گردد.

تردید نیست که این قاعده تنها می‌تواند دلیل تحقق مرحله اول قاعده مرور زمان باشد یعنی زوال رابطه مالکیت بین متصرف سابق و مالک قبلی از یک سو و مال و حق از سوی دیگر در نتیجه تمامیت قاعده و تحقق همه ارکان چهارگانه پیش گفته نیازمند ضمیمه شدن ادله تکمیلی خواهد بود.^{۳۳}

گفتار سوم: قاعده حیازت

کارکرد قاعده حیازت در خصوص مشروعیت قاعده مرور زمان چیست؟ آیا حیازت به تنهایی می‌تواند از عهده این مهم برآید یا این که قاعده‌ی حیازت تنها می‌تواند یکی از ارکان و حلقه‌های این سلسله را به وجود آورد؟ حقوق دانان مسلمان قاعده حیازت را برای این مقصود کافی می‌دانند.

در قاعده اعراض گفته شده است که برای تمامیت قاعده مرور زمان لازم است نسبت مالکیت بین مال و مالک سابق منقطع گردد و این نسبت به این مال و متصرف فعلی برقرار گردد و گذشت زمان در تحقق هردو امر دخالت اساسی داشته باشد. و نیز پس از آن ادعای مالکیت و استحقاق مالک سابق نسبت به مال یا حق در دادگاه پذیرفته نباشد این قاعده تنها می‌تواند مالکیت متصرف فعلی را با فرض عدم تعلق حق دیگری

^{۳۳} شرفی، رجاء، بررسی فقهی و حقوقی مرور زمان گروه حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۴

نسبت به مال یعنی با فرض تصرف داشتن آن استفاده کند و نسبت به رابطه مال با متصرف سابق سلباً یا ایجاباً دلالتی ندارد همچنین از اثبات عدم استماع دعوا علیه متصرف فعلی قاصر است.

گفتار چهارم: حکم حکومتی

حکم حکومتی عبارت است از فرامین جزئی قضایی، اداری، اجرایی و قوانین و مقررات کلی اعم از قوانین اساسی و عادی و آیین‌نامه و بخشنامه‌هایی که با توجه به مصلحت اجرایی در مقام تعیین چگونگی اجرای فتاوی ضروری و مسلم یا مشهور و معتبر یا گزارش فتوای قابل اجرا و مختار حکومت مشروع یا در مقام اجرای آن‌ها با در نظر گرفتن مصالح مورد اهتمام شارع مقدس در مقام اجرای احکام الهی از جانب حکومت اسلامی صادر و مقرر می‌گردند. مشخصه اصلی حکم حکومتی این است که توسط حاکم و در مقام اجرای احکام شرعی وضع می‌گردد.

با توجه به تعریفی که از حکم حکومتی ارائه شد در صورتی که فردی از مطالبه حق خود برای مدتی طولانی خودداری کند آیا حکومت نمی‌تواند برای رسیدگی به طرح دعاوی، انضباط دادن، و کار دادگاه‌ها را آسان‌تر کردن، اثبات یا نفی ادعاها و جلوگیری از اتلاف وقت و اموال مردم و حکومت در شرایط خاصی از جمله آگاهی فرد از حق خویش به دلیل اهمال و عدم اقدام او از استماع دعوی خودداری کند؟ به نظر می‌آید پاسخ به این پرسش مثبت است اصولاً حکومت بدون برخورداری از این صلاحیت‌ها نمی‌تواند برقرار گردد.

مبحث سوم: قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی^{۲۴}

همه فقیهان امامیه عقل را منبع مستقل استنباط احکام شرعی می‌دانند. یکی از قواعد فقهی عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی است. این قاعده بارها و بارها صریح یا تلویح مورد استناد قرار گرفته است از سوی دیگر قرار دادن حدود مرز زمانی برای مدعیان جهت طرح و پیگیری ادعای خود موجب بی‌ثباتی روابط حقوقی افراد در جامعه و دچار شدن امر رسیدگی به دعاوی خواهد شد در نتیجه عقل حکم می‌کند که برای حفظ نظام اجتماعی دعاوی افراد پس از گذشت مدت‌زمان معین و معقولی و عدم مطالبه و پیگیری از سوی مدعی و اهمال او در دادگاه استماع نگردد.

^{۲۴} نائینی، ۱۴۰۹، ۷۸۵/۴

مبحث چهارم: قاعده استحسان

گروهی معتقدند به قاعده استحسان در باب نظریه مرور زمان هستند از جمله در مقدمه یکی از شرح‌های قانون عثمانی به نام المجله که بر اساس فقه حنفی تدوین یافته آمده است: «مرور زمان در اصطلاح فقها عبارت از منع استماع دعوا بعد از اینکه در مدت معلوم شده باشد و این منع غیر قیاسی و از باب استحسان است. زمان را نهی کرده باشد پس با توجه به جواز استحسانی حکم به جواز مرور زمان می‌دهیم».

گفتار اول: نقد نظریه استحسان

در نقد و بررسی این استدلال می‌توان گفت:

بند اول:

اولاً: قاعده استحسان در همه مذاهب اسلامی مخصوصاً امامیه و شافعی حجت ندارد.

شافعی گفته است «من استحسَن فقد شرع».^{۲۵}

بند دوم:

ثانیاً مدلول آیه «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» و حدیث «ما راه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن» که مستندات این قاعده هستند کلیت نداشته و هیچ‌گاه دلالت ندارند که غاصب با استفاده از مرور زمان^{۲۶} ملک دیگری را تصرف کند زیرا این خود برخلاف اصل «عدم جواز تملک مال غیر بدون علل مملکه» است که در نزد همه مذاهب اسلامی حجیت دارد.

در مورد عدم نص باید متذکر شد که چون مرور زمان از قوانین شکلی و مربوط به آیین دادرسی مدنی است و مشروط به ایراد خوانده دعوا است نفیاً و اثباتاً نصی نداریم و الا چنانچه منظور ماهیت دعوا باشد و این که گذشت زمان مستحق و مملک آن باشد نصوص فراوانی داریم که آیه «لا تاكلوا موالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض» و حدیث «لا یحل مال امرء الا بطیب نفس» از آن جمله‌اند.

برخی برای توجیه نمودن موافقت مرور زمان با شرع آن را با لقطه تشبیه نموده‌اند.

لقطه آن است که اگر کسی مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم باشد می‌تواند آن را تملک کند (ماده ۱۶۲ قانون مدنی) همچنین است اگر آن مال متعلق به عهد عتیق باشد در غیر این صورت بایستی

^{۲۵} عدل ۹، ۱۳۴۳

^{۲۶} محقق داماد، ۲/۲۴۰، ۱۳۷۹

به وسایل مقتضی آگهی و تعریف نماید تا صاحب مال پیدا شود پیداشده اگر حیوان باشد آن را ظالم می نامند (ماده ۱۷۰ قانون مدنی)

مبحث پنجم: تشریح قاعده اعراض

مهم ترین دلیل قائلین قاعده مرور زمان تمسک به قاعده اعراض است.

گفتار اول:

مرحوم مصطفی عدل در کتاب حقوق مدنی می گوید: «اساس مرور زمان را می توان بر اعراض صاحب حق از حق خود مبتنی نمود زیرا اگر کسی خود را مالک حقیقی غیرمنقول بداند و نسبت به آن ۴۰ یا ۲۰ سال سکوت اختیار کرد و علیه متصرف اقامه دعوا نکرد این سکوت کاشف از این است که مالک اگر هم حقی داشته از آن اعراض کرده و برعکس متصرف ۴۰ یا ۲۰ ساله را بایستی مالک فرض نمود زیرا در مقابل اعراض مالک واقعی، موردادعا را به حیازت مالک شده است و یا اگر کسی حیوانش را در جای بی آب و علف رها کند، اعراض دانسته شده و چون حیوان موضوعیتی ندارد می توان استنباط نمود که هر موقع مالک مال خود را در جای رها کند که نتیجه قطعی آن از بین رفتن مال باشد این رها کردن کاشف از اعراض است.

و این مسئله را می توان با سکوت صاحب حق قیاس نمود و گفت هر سکوتی که لازمه سقوط حق باشد و شخص^{۲۷} بداند این سکوت، حق او را ساقط می کند و سکوت اختیار نماید کاشف از اعراض است و قانون گذار اعلام نموده که اگر صاحب حق ظرف ۱۰ سال حق خود را مطالبه نکند و سکوت کند حق او ساقط شده و دیگر دعوایی از او پذیرفته نیست.

بند اول: اشکال به قاعده اعراض

به این نتیجه گیری اشکال نموده اند و گفته اند در اعراض، نیت شرط است و علاوه بر آن نیت اعراض کننده بایستی توأم با عمل باشد و هیچ کدام از این دو شرط در مرور زمان نیست.

^{۲۷} عدل، مصطفی، حقوق مدنی، نشر طه، ۱۳۸۵

بند دوم: ادله مثبت قاعده اعراض

اما اشکال وارد نیست زیرا بسیاری از فقها قصد و نیت را شرط نمی‌دانند و در اعراض قهری جایی که یک کشتی غرق می‌شود و محموله آن غرق می‌گردد اعراض بدون اینکه مالک قصد و نیت آن را داشته باشد یا عملی انجام دهد صدق می‌کند.

گفتار دوم: روایت شیخ صدوق

برخی دیگر در کوششی برای یافتن پایگاه شرعی و فقهی مرور زمان به روایت شیخ صدوق استناد کرده‌اند صاحب مستدرک از شیخ صدوق روایتی نقل نموده که در کتاب اصول کافی و من لایحضره الفقیه نیز می‌باشد «عن کلین، عن سهل بن زیاد عن ریان عن رجل عن یونس عن عبدالصالح» ان الارض لله جعلها وقفا علی عبادہ فمن عطا ارضا ثلث سنین متوالیه لغير عله آخرت من یدہ و رفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنین فلا حق له.^{۲۸}

شیخ صدوق پس از نقل روایت می‌فرماید «و اعلم ان من ترک دارا او اقارا او ارضا فی ید غیره قلم یتکلم و لم یطلب و لم یخاصم فی دلم عشر سنین فلا حق له» اشکالی که در روایت نقل شده وجود دارد مرسله بودن آن است که آن را از حجیت و قابلیت استناد می‌اندازد اما در فتوای شیخ صدوق به صراحت مرور زمان پذیرفته شده که خود جای بحث و تأمل دارد.^{۲۹}

مبحث ششم: قاعده ید

گفتار اول: معنای ید

ید در کتب فقهی به دو معنا است:

یکی ضمان ید (علی الیدما اخذت حتی تودیة) و دیگری به معنای تصرف و مالکیت که در ماده ۳۳ قانون مدنی آمده (تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است).

ید به معنای اول دلالت دارد که اگر کسی مال دیگری را به غیر از سبب ناقل قانونی یا اسباب تملک تصاحب نمود باید به صاحبش رد نماید و واضح ید به مال غیر قانونی و شرعی ضامن است مالک حق دارد

^{۲۸} صفائی، عبدالصاحب، مرور زمان از لحاظ فقه اسلامی، تهران ۱۳۳۳

^{۲۹} طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، تهران، چاپ اول

قاصد را تحت پیگرد قرار دهد و غاصب مستحق هیچ ترحم و گذشت نیست بر اساس این قاعده بایستی مال دیگری را رد کند هرچند سال های متمادی از تصرف او گذشته باشد

بعلاوه در کتب فقهی و روایی به مواردی بر می خوریم که حاکی از این است که مرور زمان خلاف موازین شرعی است و موضوعیتی ندارد.

الف) در کتاب قضا جواهر الکلام آمده «لو ذکر المدعی ان به بینة غایبه خیره الحاکم بین صبر و احلاف اغزیم و لیس له ملازمته و لا مطالبه بکفیل»

از این عبارت معلوم می شود که هر مدت مدعی بخواهد می تواند صبر کند و جریان داوری را به تاخیر اندازد اگر مرور زمان در اسلام موضوعیتی داشت قاضی حق را داشت به طور مطلق حتی تا مرز شمول مرور زمان مدعی را مخیر به صبر کند .

ب) از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود «الحق القدیم لایزله الشی» و همچنین از حضرت رسول نقل شده که فرموده «لایبطل حق امرء مسلم و ان قدم»

ج) در کتاب حدود شرح لمعه در بحث اثبات الزنا بالاقرار و البینه آمده:
«لایقدح تقادم الزنا المشهود به فی صحت الشهادت للاصل و ماروی فی بعض الاخبار من انه متی زاد عن سته اشهر لایسمع شاذ»^{۳۰}

در زبان عربی به مرور زمان تقابل می گویند و عبارت شهید ثانی صراحت دارد که به مرور زمان به صحت شهادت شهود لطمه ای نمی زند .

مبحث هفتم: بررسی قانون مرور زمان در حقوق اسلام

شرع اسلام به صراحت هیچگاه نفی و اثباتا متعرض مسئله مرور زمان نشده زیرا که اساس آن موردی برای طرح نبوده و باید این مسئله را از مسائل مستحدثه و قوانین وارد در دوره معاصر به حساب آورد زیرا با سرعت و امنیتی که امروزه لازمه امور اقتصادی و تجاری داخلی و بین المللی است صلاح نیست که متعاملین از طرح دعوای طرف دیگر، الی الابد در نگرانی و اضطراب باشند. همچنین کم نیستند کسانی که سعی در جستجوی ریشه فقهی این قانون در میان احادیث و روایات نموده اند و این قانون که مستنبط از قوانین اروپایی است و اصل آن رومی است را اسلامی دانسته و سلسله نصب آن را در قرآن و کتب اربعه

^{۳۰} بجنوردی، محمد، مرور زمان در دعاوی حقوقی و کیفری، شماره ۴ و ۵، ۱۳۷۲

یافتند. گروهی اعتقاد دارند که شارع مقدس مرور زمان را به صراحت نفی نموده و به هیچ وجه آن را با موازین شرعی سازگار نمی دانند برای بررسی دیدگاه‌های موافقین و مخالفین ادله آنان را دسته بندی نموده و تحت دو عنوان ادله گروه اول و ادله گروه دوم مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

گفتار اول:

گروه اول اعتقاد دارند مرور زمان نه تنها موافق با شرع باشد بلکه ریشه در متون فقه و آیات روایات ما دارد. به اعتقاد این گروه در منابع اسلامی از سکوت حق به وسیله مرور زمان سه یا ده سال صحبت شده است و گفته اند که مرور زمان قانونی مستنبط از حقوق اروپایی نیست بلکه قانون کاملاً فقهی و در فقه در بسیاری از مسائل حقوقی و مالی مورد توجه واقع شده است:

بند ۱) در غایب مفقود الاثر جهت صدور حکم موت فرضی (بند ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی)

بند ۲) در طلاق زن غایب مفقود الاثر که مرور زمان چهار ساله پیش بینی شده است (ماده ۱۰۲۹ قانون

مدنی)

بند ۳) در باب علل فسخ نکاح و دعاوی در باب ارث نیز مواردی آمده است.

بند ۴) حق حضانت در مورد اولاد ذکور دو سال و اناث هفت سال (ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی)

بند ۵) مدت عده در انواع طلاق ها و نزدیکی به شبهه در حقیقت مرور زمان است. بنابراین با توجه به

اینکه مواد ۱۰۱۹ و ۱۰۲۰ و ۱۱۲۳ و ۱۱۶۹ و ۱۱۵۱ قانون مدنی از فقه امامیه اخذ گردیده و در همه آنها مرور

زمان پیش بینی شده است بنابراین مرور زمان یک قانون اسلامی و فقهی است.

گفتار دوم :

گروه دوم اعتقاد دارند صرف نظر از تکذیبی که تاریخ حقوق از این تفسیر دارد و آن اینکه مرور زمان ریشه در فقه نداشته و از طریق قوانین اروپایی در قانون کشور ما وارد شده است. لذا بایستی بین آثار زمانی احکام و قوانین و قانون مرور زمان تفاوت گذاشت زیرا در شرق مرور زمان اولین موردی است که به طور مستقیم اثر گذاشته و تعیین کننده کیفیت و کمیت و حتی و نسخ آن می باشد. برای مثال مدت عده برای استبراء رحم و گذشت آن زمان برای رفع حجر از صغیر است ولی در مرور زمان اثر زمان تابع وضع است و به خودی خود زمان هیچ خاصیتی نداشته و گذشت آن اثر نمایانی در اشخاص ندارد.

گفتار سوم:

کسانیکه مرور زمان را مخالف شرع می‌دانند چنین استدلال می‌کنند که مرور زمان در مقررات شرعی جزء طرق سقوط تعهدات نیامده و در هر حال اصل استصحاب دلالت دارد که اگر حقی بر ذمه کسی بود گذشت زمان آن را از بین نمی‌برد و اصل بقاء دین است و دلیلی ندارد که در این خصوص اصل را مخدوش نماید. این استدلال در صورتی درست بود که مرور زمان در حقوق ما مانند حقوق فرانسه و سوئیس مرور زمان مثبت و مملک باشد ولی مرور زمان عدم استماع دعوا و محدود ساختن اقامه دعوا به مهلت معینی منافاتی با اصل استصحاب ندارد زیرا اصل حق پابرجاست و راه‌هایی برای وصول دین مشمول مرور زمان مثل تهاتر و یا طرح دعوای متقابل وجود دارد (ماده ۷۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی).^{۳۱}

نتیجه‌گیری

با توجه به تمامی موارد مذکور از تمامی مباحث فوق میتوان نتایج زیر را گرفت:

(۱) مرور زمان دارای معانی گوناگونی میباشد از جمله اینکه در حقوق ایران آن را گذشتن مدتی از استقرار در قانون میدانند که دو اثر بر آن بار میشود: (۱) تملیک مال (۲) اسقاط حق بویژه حق طرح دعوی در محاکم

(۲) شورای نگهبان بعد از انقلاب، مرور زمان را خلاف شرع میدانست مگر در خصوص دعوای حقوقی بیگانگان و استدلال شورا این بود که در مرور زمان حق افراد زائل میشود.

(۳) مخالفین نظریه شورا اما اعتقاد دارند که در مرور زمان حقی ساقط نمیشود بلکه تنها حمایت قانونی از افراد صورت نمیپذیرد.

(۴) از مهم‌ترین اثرات مرور زمان کاهش هزینه های اداری و قضایی و... میباشد. و همچنین اثر دیگر آن عدم استماع دعوی میباشد.

(۵) مرور زمان مدنی دارای دو قسم مرور زمان مملک و مسقط میباشد. در مرور زمان مملک فرد بواسطه متصرف بودن، در مدت معینی مالک عین فرد دیگری میشود. در مرور زمان مسقط حق طلبکار به دلیل سکوت وی ساقط میشود. این نوع مرور زمان سبب سقوط تعهد و ذمه بدهکار میشود.

^{۳۱} دلمی، احمد، مرور زمان، چاپ اول ۱۳۸۴

۶) مرور زمان اثر قهقراپی دارد یعنی اینکه کسی که بواسطه زمان مالک ملک شناخته میشود، مسئول رد محصول و نمائات آن ملک در گذشته نخواهد بود.

۷) مرور زمان به دو نوع مرور زمان مدنی و تجاری تقسیم می شود

مرور زمان مدنی: چونکه دعاوی حقوقی در زمره حقوق خصوصی هستند و قانون مدنی تنها منبع رسیدگی ماهوی دعاوی حقوقی می باشد و مرور زمان در ایران از اسباب تملک یا سقوط تعهد به حساب نمی آید و تنها اثر آن اسقاط دعا است

ماده ۲۲۶ قانون مدنی: جایی که متعهد له قانوناً حق مطالبه ندارد اگر متعهد به عهد خود وفا کند دیگر دعوای استرداد او مسموع نخواهد بود

ماده ۷۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی: هرچند که مرور زمان حق اقامه دعا را ساقط می کند اما اگر مدیون طلب را داده باشد نمی تواند آن را مطالبه کند.

مرور زمان تجاری علت کارایی مرور زمان های کوتاه در حقوق تجارت: ۱) پرهزینه بودن نگهداری اسناد برای شخصی که مدام در حال معاملات تجاری می باشد و این باعث می شود که هزینه زیادی بر مصرف کننده نیز تحمیل شود و ۲) صرفه جویی در محاسبات ماهیانه و سالیانه شرکت.

ماده ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت نیز به این موارد اشاره دارد.

۸) ایراد مرور زمان حق کیست: مرور زمان حق خوانده است مطابق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی از جمله ایراداتی که خوانده می تواند ضمن دفاع از ماهیت دعا ایراد کند، ایراد مرور زمان است و در دادرسی های عادی در اولین لایحه که در پاسخ طرف داده میشود به عمل می آید و در دادرسی های اختصاری در اولین جلسه باید طرح شود

۹) مرور زمان مدنی در مباحث فقهی:

منابع مختلفی له یا علیه مرور زمان مطرح می باشد از جمله روایتی از امام کاظم علیه السلام و امام صادق علیه السلام و مرحوم صدوق و همچنین علی بن مهزیار. همچنین اسنادی در این خصوص از شیخ حر عاملی، شیخ صدوق، محقق بحرانی، سید محمدحسن موسوی و صاحب جامع الاحادیث شیعه وجود دارد. همچنین اصول و قواعد فقهی از جمله قاعده اعراض، قاعده اسقاط و ابرا و قاعده حیات نیز در این خصوص وجود دارد که مرور زمان را مشروع دانسته و قواعدی همچون قاعده ید آن را مردود میدانند.

۱۰) نتیجه گیری نهایی اینکه در قانون این دادرسی قدیم مصوب ۱۳۱۸ بعضا قوانین آن همچون ماده ۷۶۴ و مع ذلک در خصوص مرور زمان بوده است که با تصویب قانون این دادرسی مدنی جدید در سال ۱۳۷۹ این قوانین منسوخ گردیده اند اما در بعضی از مواد قانون تجارت و بعضی از قوانین دیگر همچون قانون بیمه و اعسار و هنوز هم مرور زمان به قوت خود باقی است.

در نهایت با توجه به موارد مطرح در بحث مرور زمان نظر بنده این است که مرور زمانی که از نوع مرور زمان مملک یا مسقط باشد پذیرفته نیست اما مرور زمانی که نتیجه آن عدم استماع دعوی است باید پذیرفته شود زیرا در این نوع مرور زمان دین قانونی بدهکار تبدیل به دین اخلاقی و وجدانی خواهد شد که میتوان آن را از طرق دیگر احقاق نمود.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

۱) اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، تهران، چاپ ۱۱، سال ۱۳۸۶، عدل، مصطفی، حقوق مدنی، تهران، انتشارات بحر العلوم، ۱۳۷۶.

۲) اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل، چک) تهران؛ نشر سمت؛ ۱۳۹۳

۳) (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، صفحه ۴۰۶، سال ۸۶

۴) (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، صفحه ۴۰۶.

۵) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائرالمعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، ۱۳۵۷

۶) دیلمی، احمد، تاملی در مشروعیت مرور زمان مدنی، گروه حقوقی دانشگاه قم، ۱۳۹۰

۷) ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶

۸) ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۵

۹) شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد اول، تهران، نشر دراک

۱۰) صادقی بهمنی، سهند، روایی اسقاط حق اقامه دعوی در فقه امامیه، فقه و اصول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷.

۱۱) عدل، مصطفی؛ حقوق مدنی، قزوین، نشر بحر العلوم، ۱۳۷۳

۱۲) کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، تهران، نشر بهنشر، ۱۳۶۸

۱۳) کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴

۱۴) متین دفتری، احمد؛ آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۴

۱۵) مدنی، سید جلال الدین؛ آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۵

۱۶) محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه، بخش مدنی، نشر علوم انسانی، ۱۳۸۷

۱۷) وزیری، شهربانو، مرور زمان ونفی مرور زمان، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۳

ب) پایان نامه‌ها و مقالات

۱) ابوالحسن، محمد؛ قواعد فقه، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۲

۲) اصغری، ناصر؛ جستاری در اهمیت و ضرورت مرور زمان در امور مدنی، نشریه کانون وکلا، ۱۳۸۸

۳) جعفرزاده، سیامک؛ فرازمهر، جواد. اعتبار سنجی قاعده مرور زمان در بیمه های مربوط به وسائل نقلیه،

نشریه پژوهشنامه بیمه، شماره ۱۳۸، ۱۳۹۹

۴) حبیبی تبار، جواد؛ کرمی پور، مصطفی؛ جایگاه مرور زمان در تعزیرات از منظر فقه و حقوق

اسلامی؛ بهار ۱۳۹۴

۵) حاتمی، علی اصغر؛ ذاکری، محمد وحید، تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۷۹

۶) دیلمی، احمد؛ تأملی در مشروعیت مرور زمان مدنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره ۱۳۸۵

۷) سرشار، محمود؛ مرور زمان، مجله کانون وکلا، سال دوم، ش ۱۱

۸) شریف، علی؛ ایراد مرور زمان در دعاوی مدنی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۳۴۲

۹) شریفی، مجتبی، ضرورت احیای مرور زمان در قانون. نشریه ماهنامه دادنامه، شماره ۳۱

۱۰) صادقی بهمنی، سهند، روایی اسقاط حق اقامه دعوی در فقه امامیه، فقه و اصول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷

۱۱) کشوری، عیسی، بررسی مرور زمان در حقوق اسلام، سال ۱۳۸۰

۱۲) میرشمس شهبهانی، ابوالفضل، حکم مرور زمان در اسناد رسمی، کانون وکلا. شمار ۷۷

۱۳) معزی، جعفر، بررسی مرور زمان در بیمه های بازرگانی، پژوهشنامه بیمه، شماره ۴، سال ۱۳۹۷

۱۴) ناصری، امین، بررسی فقهی مرور زمان در امور مدنی، انتشارات دانشگاه امام صادق، زمستان ۹۱

۱۵) هاشمی زاده، رزیتا؛ بررسی سیر تحول نهاد حقوقی مرور زمان در حقوق ایران؛ زمستان ۱۳۹۵

Abstract:

The problem that can be raised in the future research is to examine the passage of time in Iran's civil law and also from the perspective of jurisprudence. Civil rights and such civil proceedings and the place of passage of time in jurisprudence and also regarding certain laws in which the passage of time still exists. The passage of time is one of the most important formal rules in law. It is recognized and used in the judicial structure of many countries. It was also used in Iran's past laws. The passage of time in the former civil procedure meant the passage of a legal period after which the legal claim could not be heard. After the Islamic Revolution, the Guardian Council declared the passage of time contrary to Sharia in its 7257 theory, but deviated from its theory in one case, that is, regarding the passage of time in the legal claims of foreigners. We divide the passage of time into two parts in terms of its effects and results. 1) Review of Mamluk time 2) Review of Muscat time. The passing of time is divided into civil passing of time and commercial passing of time. The passage of civil time is also rooted in Islamic jurisprudence. Some principles of jurisprudence such as narrations, hadiths, reason, etc., as well as some rules of jurisprudence such as the rule of appeals, the rule of abjuration, etc., have arguments in support of the passage of time. And some rules, such as the rule of iodine and... Have rejected the passage of time in Islam. Finally, the existence of the passage of time, according to its basic and well-reasoned foundations in our civil rights, was a useful issue that, in my opinion, could be useful in some laws, and of course, in some laws, such as family law, its existence entails harm to the parties. Especially the wife.

Keywords: Review of time, review of civil time, review of time in jurisprudence.



دانشگاه شهید باهنر کرمان

Shahid Bahonar University of Kerman
Faculty of Law and Theology
Department of Law

Lapse of Time in Iranian Civil Law and its Place in Islamic Religions

Prepared by:
Faizah Shamsaldini Mutlaq

Supervisor:
Dr. Ali Rafiei Moghadam

Advisor:
Dr. Ataullah Salehi

A Thesis Submitted as a Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Art in Private law (M. A.)

September 2022